



چالش‌های مسیر تامین برق



حرکت به سمت همگرایی ارزی

هر دو تالار اول و دوم ارزی مرکز مبادله ایران در حال فعالیت است و در هر کدام، گروه‌های مشخصی از در حال...

صفحه ۲

کنترل ترافیک بادوربین‌های کور

این عدم کار آبی، عدم کنترل هوشمند جریان تردد خودروها و موتورسیکلت‌ها در خیابان، باعث...

صفحه ۴

قفل دولتی بر صادرات معدنی

در شرایطی که کمبود ارز به یک مشکل جدی در اقتصاد تبدیل شده، دولت با اعمال مالیات...

صفحه ۶

چالش‌های مسیر تامین برق

کریم حسن پور - ناتوازی فزاینده برق در سال‌های اخیر، سیاست‌گذاری انرژی کشور را به نقطه‌ای حساس رسانده است؛ نقطه‌ای که در آن، توسعه شتاب‌زده انرژی‌های تجدیدپذیر از یک سو به عنوان راه‌حل فوری کمبود برق معرفی می‌شود و از سوی دیگر، با پرسش‌هایی جدی درباره توازن سبب انرژی، ظرفیت فنی شبکه و نقش دولت در اقتصاد برق مواجه است.

در چنین فضایی، دیدگاه‌های مطرح‌شده از سوی بخش خصوصی، نهادهای سیاستگذار و فعالان حوزه انرژی، تصویری چند لایه از چالش‌های پیش‌روی صنعت برق و تجدیدپذیرها ترسیم می‌کند؛ تصویری که در آن، تجدیدپذیرها نه ناجی مطلق ناتوازی و نه سیاستی ناکارآمد، بلکه بخشی از یک معادله پیچیده تلقی می‌شوند. معادله‌ای که حل آن مستلزم بازتعریف سبب انرژی، بازنگری در نقش دولت، تقویت مشارکت بخش خصوصی و توجه هم‌زمان به عرضه و تقاضای انرژی است؛ ساختاری که بی‌توجهی به هر یک از اجزای آن، می‌تواند هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی ناتوازی برق را تشدید کند.

سبب نامتوازن انرژی

پیام باقری، نایب‌رئیس اتاق ایران، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» با اشاره به تمرکز فزاینده سیاستگذاری بخش برق بر توسعه نیروگاه‌های خورشیدی، گفت: هرچند انرژی خورشیدی باید یکی از اجزای اصلی سبب انرژی کشور باشد، اما اتکالی افراطی به یک منبع مشخص، حتی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، در بلندمدت می‌تواند توازن تولید برق را بر هم بزند. او افزود: توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر زمانی پایدار و اثربخش خواهد بود که در چارچوب سبب متنوع و متوازن دنبال شود.

با اشاره به ظرفیت‌های متنوع تولید برق، تصریح کرد: کشور علاوه بر انرژی خورشیدی، از کربیدرهای بادی قابل توجهی نیز برخوردار است که می‌تواند نقش موثری در تامین برق ایفا کند، اما در عمل بخش عمده توجه سیاستگذاران به سمت نیروگاه‌های خورشیدی معطوف شده است. این تمرکز یک‌سویه می‌تواند به غفلت از سایر ظرفیت‌های تجدیدپذیر بینجامد و انعطاف‌پذیری شبکه برق را در برابر نوسانات تولید کاهش دهد. نایب‌رئیس اتاق ایران با تأکید بر ضرورت تنوع‌بخشی به منابع تولید برق، گفت: هر یک از فناوری‌های تولید، از حرارتی و آبی گرفته تا هسته‌ای و تجدیدپذیر، مزایا و محدودیت‌های خاص خود را دارند و هیچ‌کدام به‌تنهایی پاسخ‌گوی نیاز پایدار شبکه نیستند. سبب انرژی متوازن علاوه بر کاهش ریسک‌های فنی و اقتصادی، امکان مدیریت بهتر پیک مصرف و افزایش تاب‌آوری شبکه برق را نیز فراهم می‌کند. این نماینده بخش خصوصی در ادامه به مساله ناتوازی انرژی اشاره کرد و گفت: این ناتوازی صرفاً حاصل کمبود تولید نیست، بلکه نتیجه بی‌توجهی مصرف از ظرفیت تولید به شمار می‌آید.

او بیان کرد: حل این مساله نیازمند توجه هم‌زمان به دو سوی معادله، یعنی افزایش تولید و مدیریت مصرف است و تمرکز صرف بر توسعه نیروگاه‌ها بدون اصلاح الگوی مصرف، تنها در کوتاه‌مدت بخشی از شکاف موجود را پوشش می‌دهد. باقری با اشاره به کم‌توجهی به مدیریت مصرف، بیان کرد: در سال‌های اخیر سیاستگذاران بیشتر به سمت تولید متمرکز بوده، درحالی‌که بهینه‌سازی مصرف می‌تواند با هزینه‌ای به مراتب کمتر و در بازه زمانی کوتاه‌تر، اثر و معادل ایجاد ظرفیت جدید تولید داشته باشد.

به گفته او، جلوگیری از اتلاف انرژی و افزایش بهره‌وری، از منظر اقتصادی معادل ساخت نیروگاه جدید است، اما این ظرفیت هنوز به‌درستی در سیاست‌های انرژی بازتاب نیافته است. نایب‌رئیس اتاق ایران یکی از دلایل اصلی این وضعیت را فقدان بازار کارآمد بهینه‌سازی انرژی دانست و بیان کرد: تا زمانی که مدل‌های اقتصادی

جذاب، پیش‌بینی‌پذیر و قابل اتکا برای سرمایه‌گذاری در این حوزه تعریف نشود، ورود جدی بخش خصوصی به این عرصه شکل نخواهد گرفت. نبود مشوق‌های کافی، انبساط در بازگشت سرمایه و ضعف چارچوب‌های حقوقی پایدار از جمله موانع شکل‌گیری بازار بهینه‌سازی به شمار می‌آید. باقری در پایان گفت: حل پایدار ناتوازی برق مستلزم نگاهی جامع به سبب انرژی است؛ نگاهی که در آن توسعه متوازن منابع تولید در کنار بهینه‌سازی مصرف به عنوان دو رکن مکمل دیده شود و بی‌توجهی به هر یک از این دو محور، اثربخشی سیاست‌های انرژی را کاهش می‌دهد و هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی بیشتری به کشور تحمیل خواهد کرد.

باز تعریف سبب انرژی و نقش دولت در توسعه تجدیدپذیرها

محسن طرزطلب، معاون وزیر نیرو و رئیس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا)، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» با اشاره به روند توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور، بیان کرد: پیش از هر چیز لازم است از مجموعه اقداماتی که طی سال‌های گذشته در حوزه ایجاد ظرفیت‌های فنی، پیمانکاری، تولیدی و همچنین در زمینه قانون‌گذاری انجام شده و زیرساخت امروز توسعه تجدیدپذیرها را شکل داده است، قدردانی شود.

به گفته او، آنچه امروز به عنوان بستر توسعه این بخش در کشور وجود دارد، حاصل تصمیمات انباشته و تلاش‌های چند ساله است و نباید به‌صورت مقطعی مورد قضاوت قرار گیرد. او با تشریح مأموریت‌های ساتبا افزود: این سازمان بر اساس وظایف قانونی خود، متولی سیاستگذاری، تنظیم‌گری، تسهیل‌گری و حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر است. طرزطلب تصریح کرد: ورود محدود ساتبا به برخی پروژه‌ها نه با هدف رقابت با بخش خصوصی، بلکه به‌عنوان اقدامی گذار برای رفع خلاءهای سرمایه‌گذاری، ایجاد پروژه‌های نمونه، کاهش ریسک‌های فناورانه و فراهم‌سازی زیرساخت‌های اولیه انجام شده است. رئیس ساتبا با اشاره به شرایط کلی اقتصاد انرژی کشور گفت: در فضایی که تحریم‌ها، محدودیت‌های مالی، نوسانات نرخ ارز و چالش‌های مربوط به تضمین خرید برق، جذابیت سرمایه‌گذاری را کاهش داده، نقش‌آفرینی دولت برای تحریک اولیه بازار اجتناب‌ناپذیر بوده است. این مداخله به‌معنای جایگزینی بخش خصوصی نیست، بلکه هدف آن فراهم‌سازی شرایطی است که در نهایت به افزایش مشارکت سرمایه‌گذاران غیردولتی منجر شود.

طرزطلب در ادامه به اقدامات وزارت نیرو برای حمایت از بخش خصوصی اشاره کرد و گفت: طی سال‌های اخیر، ابزارهای متعددی برای تقویت نقش‌آفرینی بخش خصوصی به کار گرفته شده است. توسعه قراردادهای خرید تضمینی برق، طراحی بازار برق سبز، امکان عرضه برق تجدیدپذیر به صنایع، تسهیل فرآیند صدور مجوزها و حرکت به سمت مدل‌های رقابتی‌تر، از جمله این اقدامات بوده است. به گفته او، بسیاری از پروژه‌های فعال و در حال احداث تجدیدپذیر در کشور، حاصل سرمایه‌گذاری مستقیم بخش خصوصی با اتکا به حمایت‌های سیاستی و حقوقی دولت، وزارت نیرو، ساتبا و نهادهایی مانند صندوق توسعه ملی است. او با اشاره به نقش صندوق توسعه ملی بیان کرد: با توجه به ناتوازی شدید در تامین سوخت و برق کشور و با مجوز و حمایت مقام معظم رهبری، برای نخستین‌بار



الزام قانونی برای تامین بخشی از مصرف دستگاه‌های دولتی از تجدیدپذیرها و در صورت عدم امکان، خرید برق از تابلوی سبز بورس انرژی، به تعمیم بازار و افزایش شفافیت کمک می‌کند.

مشکلات تمرکز یک‌جانبه بر تجدیدپذیرها

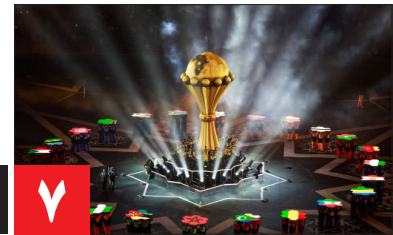
آرش نجفی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» با تأکید بر ضرورت نگاه واقع‌بینانه به آمارهای جهانی بیان کرد: انرژی خورشیدی در خوش‌بینانه‌ترین حالت قادر است حدود ۱۵ درصد نیاز برق یک کشور را تامین کند؛ آن هم مشروط به فراهم بودن کامل زیرساخت‌هایی مانند شبکه انتقال، پست‌های برق و ظرفیت جذب تولید است. در شرایطی که چنین زیرساخت‌هایی به‌طور کامل مهیا نیست، توسعه شتاب‌زده تولید خورشیدی، بدون توجه به محدودیت‌های فنی شبکه، نمی‌تواند پاسخگوی ناتوازی موجود باشد. او با اشاره به روند فعلی سیاستگذاری افزود: توسعه انرژی خورشیدی اقدام منفی تلقی نمی‌شود، اما هجوم یکباره به این بخش و تمرکز بخش عمده منابع مالی و مدیریتی بر آن، نیازمند ارزیابی نتایج در سال‌های آینده است. نجفی تصریح کرد: مساله اصلی، فقدان نقشه راه تلفیقی در حوزه انرژی است؛ نقشه‌ای که در آن تجدیدپذیرها یکی از اجزای سبب انرژی باشند، نه تنها گزینه موجود. به باور رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی، یکی از خطاهای راهبردی، عهده‌دار شدن مستقیم دولت در تامین تجهیزات، اجرا و مدیریت پروژه‌های تجدیدپذیر است. او بیان کرد: تجربه‌های داخلی و بین‌المللی نشان داده دولت‌ها بازبگرا ن کارآمدی در فعالیت‌های اقتصادی نیستند و ورود مستقیم آنها به این حوزه، ریسک انحراف منابع و کاهش بهره‌وری را افزایش می‌دهد. نجفی با تشریح گزینه‌های جایگزین، بر لزوم حرکت هم‌زمان در چند مسیر تأکید کرد و گفت: افزایش راندمان نیروگاه‌های حرارتی، بازتوسعه کردن واحدهای کم‌بازده، توسعه نیروگاه‌های سیکل ترکیبی، استفاده از سامانه‌های ذخیره‌سازی انرژی و بهره‌گیری از سایر منابع انرژی باید به‌صورت هم‌افزا دنبال شود تا یک سبب متوازن و پایدار شکل بگیرد. این فعال بخش خصوصی افزود: تمرکز کامل وزارت نیرو بر تجدیدپذیرها، آن هم با شتاب بالا و تبلیغات گسترده، در صورت عدم تحقق اهداف اعلام‌شده، می‌تواند به تشدید بی‌اعتمادی عمومی منجر شود. اگر وعده‌هایی مانند احداث ۳۰ هزار مگاوات ظرفیت جدید محقق نشود، احساس ناکارآمدی و بدقولی در افکار عمومی تقویت خواهد شد؛ مساله‌ای که هزینه آن فراتر از بخش انرژی خواهد بود. به اعتقاد او، راه معقول‌تر، حرکت تدریجی، عمیق و مبتنی بر تنوع منابع است؛ مسیری که شاید کندتر به نظر برسد، اما با اطمینان بیشتری آینده تامین برق را تضمین می‌کند.



زنگ بورس در دست معاون اول



اتصال کارت سوخت به کارت بانکی



پیش به سوی جام عجایب

صفحه ۳

صفحه ۵

صفحه ۷



اصلاحات اقتصادی ممکن است؟
دکتر محمد مهدی بهکیش
اقتصاددان

مکتبسم ماشه ۶۶ قطعنامه شورای امنیت را علیه ایران بازگرداند که با توافق برجام در سال ۱۳۹۴ معلق شده بود. بازگشت تحریم‌های سازمان ملل باری بر تحریم‌های آمریکا اضافه کرد؛ درحالی‌که بسیاری فکر می‌کنند که چون تحریم‌های آمریکا اعم از تحریم‌های اولیه و ثانویه آن برای مدتی علیه ایران فعال بوده، بنابراین تحریم‌های شورای امنیت تأثیر چندانی نخواهند داشت؛ زیرا بر اساس تحریم‌های ثانویه آمریکا اگر کشوری تحریم‌های آمریکا را اجرا نمی‌کند، از فعالیت در بازار آمریکا محروم می‌شود و بنابراین بسیاری از بنگاه‌ها در دنیا وجود داشتند و دارند که کاری بسا بازار آمریکا ندارند و به راحتی می‌توانند با وجود تحریم‌های آمریکا با ایران کار کنند، مثل پالایشگاه‌های کوچک در چین که نفت ایران را می‌خریدند و هنوز می‌خرند؛ زیرا آنان فعالیت‌های در بازار آمریکا ندارند که مورد جریمه آمریکایی‌ها قرار گیرند.

تحریم‌های شورای امنیت این چنین نیست. تمام کشورهای عضو سازمان ملل هستند موظفند که تحریم‌های مصوب شورای امنیت را اجرا کنند و البته این بحث وجود دارد که اگر اجرا نکنند، چه می‌شود؛ زیرا سازمان ملل قدرت اجرایی جدی برای تنبیه مستقیم ندارد. این برداشت درستی از مقررات سازمان ملل نیست. در داخل سازمان ملل برای کشورهای که از تحریم‌های مصوب شورای امنیت متابعت نمی‌کنند، فضا سخت‌تر می‌شود و فعالیتشان در داخل سازمان ملل محدود می‌شود و ممکن است مجازات‌هایی تحت فصل ۷ منشور سازمان ملل مشمول حال آنان شود.

بخصوص وقتی که تنبیهی به دلیل سرپیچی از نادیده گرفتن فصل هفتم باشد که متأسفانه ایران هم در ذیل این فصل قرار دارد. درست است که هیچ‌گاه ماده ۴۲ فصل ۷ در مورد ایران اجرایی نشد که نیاز به حمله نظامی را تأیید کند و ولی ماده ۴۱ خود تحریم‌های گسترده‌ای را توصیه کرده و اجرایی شده و بنابراین کشوری که در ذیل فصل هفتم قرار دارد، برای صلح جهانی خطرناک قلمداد می‌شود. در شرایط فعلی بسیار دشوار خواهد بود که هر یک از این قطعه‌ها را مجدداً معلق کنیم؛ بنابراین کشور بار سنگینی را در آینده بر دوش خواهد کشید.

مشکلات گسترده تحریم‌های جدید به علاوه تحریم‌های آمریکا و اروپا کاملاً در حیطه مسئولان سیاسی است و روابط بین‌الملل کشور را بیش از گذشته تحت‌تأثیر قرار خواهد داد و متأسفانه فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند مورد تهدید بیشتر قرار گیرد؛ بنابراین تجارت و صنعت را با مشکلات جدی مواجه کند. برای رفع این مشکلات در درجه اول باید راه‌حل را در بستر سیاسی پیگیری کرد. البته برای پیشبرد مذاکرات سیاسی می‌توان از ابزار اقتصادی استفاده فراوان کرد؛ اما بهبود شرایط کشور در گروه تصمیمات سیاسی است.

حالا این سوال مطرح می‌شود که آیا در این فاصله می‌توان تحولی در داخل کشور بوجود آورد، جواب مثبت است؛ اما محدودیت زیاد می‌تواند در همین شرایط اصلاحاتی محدود ولی مهم را بوجود آورد، مانند یکپارچه کردن بودجه کشور، می‌تواند هزینه‌های متعددی را که در کشور وجود دارند، تماماً تحت حاکمیت یک بودجه درآورد. این امر به خارج از کشور ربطی ندارد و تحریم‌ها مابقی بسیاری آن نخواهند بود و بسیار کمک می‌کند تا سازمان‌های مالی مملکت بهبود پیدا کند و تخصیص منابع بهتر انجام شود.

اطلاعات شفاف‌تری از داشته‌ها و نداشته‌های کشور در اختیار قوه مجریه قرار گیرد و تصمیم‌گیری‌ها بهبود بخشد یا می‌توان سازمان‌های موازی را هم ادغام کرد و به دنبال آن در هزینه‌ها صرفه‌جویی کرد. شاید بتوان مقداری از کسر بودجه را هم کاهش داد و وجود اینکه با کمبودهایی که از این پس بوجود خواهد آمد بودجه کشور تحت فشار بیشتری قرار خواهد گرفت و احتمالاً زایش نقدینگی سریع‌تر خواهد شد. اگر بودجه‌های متفاوت به یک بودجه تبدیل نشود، ممکن است قدری از سرعت افزایش نقدینگی جلوگیری کند و در نتیجه تورم رشد کمتری خواهد داشت و مردم کمتر تحت فشار قرار خواهند گرفت.

همچنین می‌توان در این اثنا بازنگری در قوانین مزاحم برای فعال شدن اقتصاد را در دستور کار قرار داد یا سامانه‌های پراکنده را که مشکلات عدیده برای کارآفرین‌ها بوجود آورده است، هماهنگ کرد و در این میان استقلال دانشگاه‌ها را به آنان بازگرداند تا بستر رشد علمی روان شود یا مهم‌تر از همه قوانین مزاحم کسب‌وکار را شناسایی و تصحیح کرد و آخرین موضوع تکمیلی کردن ارز که بسیار مهم و تأثیرگذار است و مورد تأیید کارشناسان است. توجه داشته باشیم که تکمیلی کردن ارز مقوله‌ای جدا از استقرار یک نرخ در بازار ارز است. نرخ واحد ارز زمانی می‌تواند استمرار یابد که عرضه و تقاضای ارز آزاد شود، یعنی ارز به صورت آزاد در بازار عرضه و تقاضا شود. به عبارت دیگر زمانی تک‌نرخ کردن ارز تحقق می‌یابد که عرضه‌کنندگان ارز و تقاضاکنندگان ارز هر دو از آزاده در بازار فعالیت کنند و بانک مرکزی سیاست‌های خود را از طریق ابزارهای قانونی در اختیار، چون عملیات بازار با اعمال کند یعنی قیمت‌گذاری نکند و البته دولت در عرضه ارز نفت نیز به همین ترتیب عمل کند.

در این صورت در بازار نرخ تعیین خواهد شد که بهینه خواهد بود و بهترین تخصیص منابع را خواهد داشت؛ ولی اگر ارز در انحصار دولت باشد و دولت بخواهد قیمت‌گذاری کند که هم‌کنون می‌کند و به بازار ارز اجازه فعالیت ندهد، تک‌نرخ کردن امکان‌پذیر نخواهد بود. تک‌نرخ کردن بدون ایجاد بازار رقابتی ارز پایدار نمی‌ماند. به علاوه جامعه نمی‌تواند افزایش نرخ ارز را برای کالاهای اساسی، دارو و لوازم تحریر قبل از آنکه درآمدهای خانوارها افزایش یابد. بنابراین قبل از تک‌نرخ کردن لازم است درهای تجارت و صنعت و خدمات باز شوند تا درآمد افراد افزایش یابد و آن‌گاه می‌توان به تدریج ارز را تک‌نرخ کرد. در غیر این صورت، جامعه با بحران‌های غیر قابل کنترلی مواجه می‌شود.

زنگ بورس در دست معاون اول



۵ فر حنات نعمتی –مراسم نواختن زنگ معاملات بورس تهران در روز شنبه ۲۹ آذر سال ۱۴۰۴ برای نخستین‌بار، با حضور محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهوری، سیدعلی مدنی‌زاده وز بر امور اقتصادی و دارایی، حجت‌اله صدیقی رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار و محمود گودرزی مدیرعامل شرکت بورس تهران بر گزار شد.

در این مراسم بر ضرورت تقویت اعتماد عمومی، شفافیت و هدایت سرمایه‌های خرد و راكد به سمت تولید تاکید شد و همچنین مسوولان بازار سرمایه از اصلاحات ساختاری و ابزارهای جدید بازار سرمایه خبر دادند. محمدرضا عارف در مراسم نواختن زنگ آغاز معاملات بورس تهران، ثبات سیاسی را کلید اعتماد به بازار دانست./ عکس: نسیم علی‌آقایی
الینا قاسمی: محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در مراسم نواختن زنگ معاملات بورس تهران، با تاکید برجایگاه راهبردی بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و جذب سرمایه، این بازار را آینه شفاف اعتماد عمومی به نظام اقتصادی کشور دانست. نقش سازمان بورس در صیانت از حقوق سرمایه‌گذاران، تعمیق بازار، هدایت نقدینگی به سمت تولید و تحقق رشد پایدار، نقشی محوری و فراتر از وظایف سازمانی و حتی دولتی است. عارف همچنین گفت که دولت چهاردهم با باور عمیق به بازار سرمایه در رشد اقتصادی، تأمین مالی تولید و کاهش فشار بر نظام بانکی که حداقل نتیجه آن تورم افسار گسیخته است، حمایت همه‌جانبه خود را از تقویت

کارآمدی و شفافیت این بازار اعلام می‌کند.
اولویت دولت؛ پیوند بازار سرمایه با تولید واقعی
معاون اول رئیس‌جمهور بازار سرمایه را ستون تأمین مالی پایدار و غیرتورمی اقتصاد ملی برشمرد و گفت: امروز بیش از هر زمان دیگری به جذب سرمایه برای تولید، پیگیری پروژه‌های ملی و توسعه زیرساخت‌ها نیاز داریم و انتقال طبیعی منابع از شبکه بانکی به بازار سرمایه می‌تواند هم رشد را محقق کند و هم به مهار تورم کمک کند. هیچ بازاری بدون اعتماد مردم پایدار نیست و ثبات سیاسی کلید این اعتماد است. شفافیت اطلاعات، عدالت در دسترسی به داده‌ها و پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌ها عواملی هستند که می‌توانند به افزایش اعتماد مردم به بازار منجر شوند. عارف سلامت بازار را حیاتی و بستر رشد و نوآوری توصیف کرد و حمایت از سرمایه‌گذاران تورم و توسعه سرمایه‌گذاری غیرمستقیم را وظیفه‌ای حاکمیتی خواند. عارف با اشاره به منابع بالقوه موجود در کشور از جمله دارایی‌های راكد در خانه‌ها و حتی نزد ایرانیان خارج از کشور، بر لزوم طراحی سازوکارهایی



بهره‌مندی از ظرفیت‌های بالقوه موجود در کشور را در اولویت قرار داد.

بورس تهران پس از پنج هفته صعود متوالی، هفته جدید را نه با احتیاط، بلکه با اشتناپی مضاعف آغاز کرده؛ شتابی که خیلی زود به سیس‌پوشی فراگیر تابلو و ثبت رکوردهای تازه در نمآگرهای اصلی بازار انجامید. تغییر در سیاست ارزی و حذف ارز توافقی، همزمان با به رسمیت شناختن ارز تالار دوم، عمل معادلات ذهنی فعالان بازار را بازنویسی کرد و به‌عنوان یک محرک بنیاد، نقش سوخت تازه‌ای را برای موتور بازار سهام ایفا کرد. این تحول، در کنار سیگنال‌های آشکار حمایتی از سوی دولت، سطح انتظارات مثبت را در میان معامله‌گران به‌طور محسوسی افزایش داد و جریان تقاضا را در ابتدای هفته تقویت کرد.

در بورس شنبه چه گذشت؟

معاملات روز شنبه بورس تهران، تصویری کم‌ابهام از برتری مطلق سمت تقاضا در تالار شیشه‌ای ترسیم کرد؛ تصویری که خود را در رکوردشکنی همزمان شاخص‌ها نشان داد. شاخص کل با رشد ۲.۴۸درصدی و افزایش بیش از ۹۲ هزار واحدی، در سطح ۳میلیون و ۸۶۰ هزار واحد آرام گرفت؛ سطحی که نه‌تنها بیانگر ثبت رکوردی تازه در تاریخ بازار سرمایه است، بلکه از شتاب گرفتن موج صعودی در ابتدای هفته حکایت دارد.

همزمان با حرکت پرقدرت شاخص کل، شاخص هموزن نیز مسیر صعودی مشابهی را تجربه کرد و با رشد ۲.۱۷درصدی، از نیمه کانال یک‌میلیون واحد عبور کرد و به محدوده یک میلیون و ۷۰ هزار واحد رسید. این همسویی معنادار، نشان می‌دهد که رشد بازار محدود به چند نماد شاخص‌ساز نبوده و سهم‌های کوچک و متوسط نیز به‌طور فعال در موج صعودی اخیر مشارکت داشته‌اند؛ مولفه‌ای که از منظر تحلیلگران، معمولا به‌عنوان یکی از نشانه‌های مهم پایداری و عمق گرفتن روند صعودی تلقی می‌شود.

بررسی جزئیات تابلوی معاملات نشان می‌دهد از مجموع ۷۹۰ نماد معاملاتی، حدود ۶۳۰ نماد در پایان روز با صف خرید کال خود را به اتمام رساندند؛ آماری که از وجود تقاضایی سنگین، فراگیر و کم‌وقفه در بازار حکایت دارد. برتری ۳.۵هزار میلیارد تومانی ارزش سفارش‌های خرید نسبت به سفارش‌های فروش، گواه دیگری بر غلبه انتظارات صعودی در معاملات روز شنبه است. در این میان، حضور پررنگ سرمایه‌گذاران حقوقی نیز قابل‌توجه بوده؛ به‌گونه‌ای که بیش از ۶۵ درصد از معاملات در هر دو سمت خرید و فروش به این گروه اختصاص یافت؛ موضوعی که از نقش فعال بازیگران بزرگ در هدایت جریان معاملات و تثبیت روند صعودی بازار خبر می‌دهد.

خبرهای مهم شنبه

دیروز اظهارات وزیر اقتصاد و معاون رئیس‌جمهور درباره حمایت قاطع از بازار سرمایه، همزمان با تغییر مسیر سیاست ارزی، باعث شد سمت تقاضا از همان دقایق ابتدایی معاملات فعال شود؛ به‌طوری که ۹۶درصد نمادها در محدوده مثبت تابلو قرار گرفتند و ارزش سفارش‌های خرید از سرز ۴ هزار میلیارد تومان عبور کرد. با این حال، این تصویر پرقدرت از معاملات، یک روی دیگر نیز دارد؛ همزمانی جهش ایشخص‌ها با نزدیک شدن نسبت قیمت به سود(P/E) و ارزش دلاری بازار به محدوده‌های مافوقتی مهم، موجب شده بخشی از فعالان حرفه‌ای بازار، هفته جاری را نه صرفا ادامه یک روند صعودی، بلکه مقطعی حساس و تعیین‌کننده برای سنجش پایداری رشد یا ورود بازار به فاز اصلاحی تلقی کنند.

از طرفی تحولات اخیر در سیاست ارزی، مسیر جریان نقدینگی را به‌طور معناداری به سمت صنایع بزرگ و دلاری بورس تهران تغییر داد. حذف ارز توافقی و رسمیت یافتن ارز تالار دوم، بار دیگر توجه فعالان بازار را به صنایعی جلب کرد که بیشترین حساسیت را نسبت به نرخ ارز دارند. به طور کلی ۲ هزار و ۴۷۷میلیارد تومان سرمایه حقیقی وارد بورس شد و ارزش معاملات خرد با رشد ۴درصدی نسبت به روز چهارشنبه ۱۴ هزار و ۴۹۴میلیارد تومان ثبت شد. در این میان، گروه محصولات شیمیایی با ثبت ورود ۳۸۰میلیارد تومان پول حقیقی، در صدر جدول جذب نقدینگی قرار گرفت. پس از آن، صنعت فلزات اساسی که طی هفته‌های گذشته از کانون دیگر نیز داره؛ همزمانی جهش سهام‌گذاران حقوقی نیز قابل‌توجه بوده؛ به‌گونه‌ای که بیش از ۶۵ پیشران بازگشت. گروه‌های پالایشی و بانکی نیز هر یک با حدود ۱۷۸میلیارد تومان ورود پول حقیقی، جایگاه‌های بعدی را به خود اختصاص دادند و نشان دادند که موتور اصلی حرکت بازار

برای هدایت این منابع به چرخه مولد تاکید کرد. پیوند بازار سرمایه با تولید واقعی، اولویت دولت است و بورس باید پیشتاز حمایت از صنایع پیشران، شرکت‌های دانش‌بنیان و پروژه‌های ملی باشد تا بهره‌وری و اشتغال پایدار افزایش یابد. به‌طور کلی، عارف ثبات در سیاست‌گذاری و در قانون‌گذاری، جلب‌اعتماد مردم، حکمرانی اقتصاد و تنظیم‌گری، افزایش بهره‌وری و اشتغال، شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌ها، سلامت بازار و برخورد جدی با تخلفات را به‌عنوان اصلی‌ترین راهبردهای دولت در راستای حمایت از بازار سرمایه برشمرد و تاکید کرد؛ با پیگیری سیاست‌های صحیح، بازار سرمایه می‌تواند و باید به تکیه‌گاه اقتصادی کشور تبدیل شود.

فساد و رانت؛ نتیجه بدیهی قیمت‌گذاری دستوری

سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی هم در این مراسم حضور یافت و با بیان اینکه دولت شش‌پانه‌روز در حال بررسی چالش‌های اقتصادی و راهکارهای برون‌رفت از شرایط فعلی است، تاکید کرد؛ دولت موضوع اقتصاد را رها نکرده است. وزیر اقتصاد محوره‌های اصلی برنامه دولت را کنترل ارز و تورم، تولید و سرمایه‌گذاری و معیشت و اشتغال اعلام کرد و از برنامه‌های کوتاه‌مدت بانکمرکزی برای کنترل بازار ارز، اصلاح تالارها و مدیریت تقاضاهای سفته‌بازانه خبر داد. راه‌اندازی صندوق‌های ارزی، انتشار اوراق مارجعه ارزی و گواهی سپرده ارزی هم بخشی از برنامه‌های دولت برای استفاده از ظرفیت بازار سرمایه برای مهار التهابات بازار ارز در کشور است. این ابزارها در حال طی‌کردن مراحل ورود به بازار سرمایه هستند و پس از تصویب توسط بانک‌مرکزی به‌زودی آغاز به کار خواهند کرد. سیاست‌های کنترل کسری‌بودجه دولت و ناترازی بانک‌ها نیز از مهم‌ترین برنامه‌های دولت برای غلبه بر تورم در بلندمدت است. وزیر اقتصاد با انتقاد شدید از مداخلات قیمتی و دستوری، قیمت‌گذاری دستوری را عامل رانت، فساد و از بین رفتن انگیزه تولید دانست و هدف دولت را حذف هرگونه عدم‌شفافیت عنوان کرد و گفت اوج شفافیت در بازار سرمایه مشاهده می‌شود و وزارت اقتصاد در تلاش است که با تدبیر و به تدریج، هر گونه عدم‌شفافیت و تعارض منافع را به تدریج اصلاح کند.

عرضه اولیه ۱۵ تا ۲۰ شرکت تا پایان سال

حجت‌اله صدیقی، رئیس سازمان بورس و اوراق‌بهادار، در این مراسم مهم‌ترین هدف بازار سرمایه را نقش‌آفرینی در تشکیل سرمایه ثابت دانست و گفت که کشور به‌شدت به مثبت‌شدن نرخ تشکیل سرمایه برای رشد اقتصادی نیاز دارد و مسیر آن از بازار سرمایه می‌گذرد. بازگرداندن اعتماد به بازار نخستین گام برای تحقق این هدف است و با برنامه‌های دولت چهاردهم و تلاش چهار بورس کشور، تعمیق بازار با ابزارهای نوین و عرضه‌های جدید به تدریج اعتماد فعالان بازگشته است. صدیقی با اشاره به مدیریت بازار پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه گفت که بازار ایران افت شدیدی را پس از این اتفاق تجربه نکرد. بازار ایران پس از بحران پیش آمده، پس از گذر از روند حفاظت از دارایی‌ها، حفظ نقدشوندگی، رسیدن به تعادل و حفظ آن، به رونق نیز رسید.

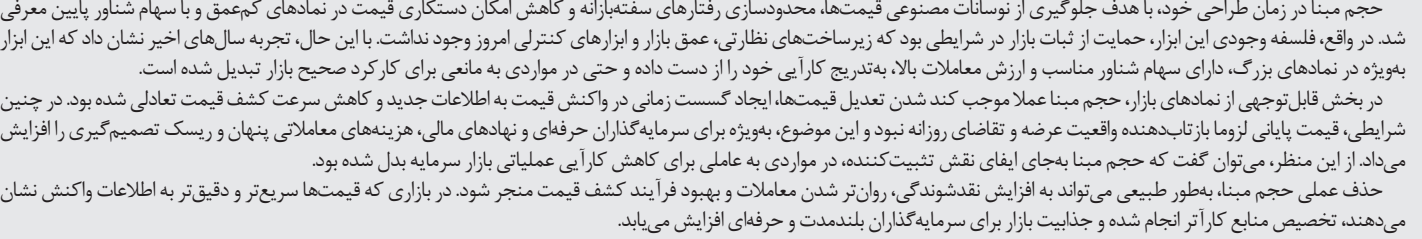
رئیس سازمان بورس از عملکرد امیدبخش شرکت‌ها در گزارش‌های ۶ ماهه و ۹ماهه خبر داد و بر ایجاد محیطی سرسراز از انصاف و عدالت برای معاملات تاکید کرد. فصل زمستان بسیار برای بازار سرمایه مهم است و در سه ماه باقی‌مانده تا پایان سال، سازمان همچنان توسعه عمودی و افقی بازار را پیگیری خواهد کرد. همچنین طبق اظهارات صدیقی، تا پایان سال بین ۱۵ تا ۲۰ شرکت عرضه اولیه خواهند شد و چند ابزار مالی جدید نیز معرفی می‌شود.

افق روشن بازار سرمایه

محمود گودرزی، مدیرعامل بورس تهران نیز حضور معاون اول رئیس جمهوری را نمادی از نگاه ویژه مقامات ارشد به بازار سرمایه دانست و گفت: این حضور امید تازه‌ای در فعالان بازار ایجاد کرده‌است. گودرزی همچنین تصمیمات شجاعانه نهاد ناظر بازار سرمایه و همزمانی آن با حضور مقامات عالی اجرایی و اقتصادی ایران در خانه شفافیت اقتصاد ایران، یعنی تالار معاملات بورس اوراق‌بهادار را نویدبخش افق روشنی برای بازار سرمایه ایران دانست و افزود: شفافیت اساس توسعه اقتصادی است و هدف اصلی بورس تهران نیز تحقق همین شفافیت است. مدیرعامل بورس تهران همچنین تاکید کرد؛ حضور بنگاه‌های بزرگ در تابلوی معاملات بورس تهران به همین شفافیت وابسته است و به همین علت، شفافیت و پاسخگویی یک انتخاب نیست، بلکه ضرورتی است که باید پیگیری شود.

مراسم نواختن زنگ معاملات بورس تهران در ۲۹ آذر ۱۴۰۴ با حضور معاون اول رئیس‌جمهور و وزیر اقتصاد، نشانمان‌ای روشن از عزم جدی دولت چهاردهم برای قراردادن بازار سرمایه در مرکز راهبردهای تأمین مالی پایدار و رشد اقتصاد کشور است. تاکید مشترک مقامات بر تقویت اعتماد عمومی از طریق ثبات سیاسی، شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری، حذف مداخلات دستوری، هدایت سرمایه‌های راكد و خرد به سمت تولید واقعی و برنامه‌های عملی نهاد ناظر بازار سرمایه و وزارت اقتصاد، همچون عرضه اولیه ۱۵ تا ۲۰ شرکت تا پایان سال، راه‌اندازی ابزارهای ارزی جدید و حذف حجم مینا، نویدبخش افق روشنی برای بازار سرمایه است.

بهره‌مندی از ظرفیت‌های بالقوه موجود در کشور را در اولویت قرار داد.



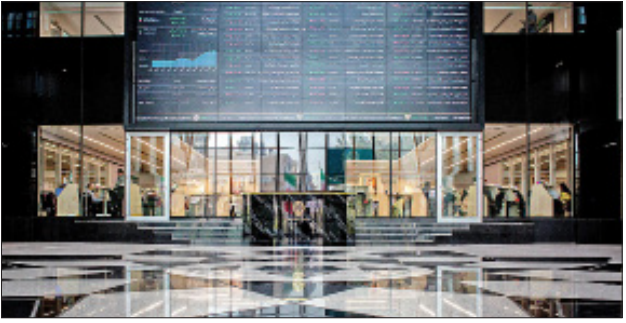
حجم مینا در زمان طراحی خود، با هدف جلوگیری از نوسانات مصنوعی قیمت‌ها، محدودسازی رفتارهای سفته‌بازانه و کاهش امکان دستکاری قیمت در نمادهای کم‌حجم و با سهام شناور پایین معرفی شد. در واقع، فلسفه وجودی این ابزار، حمایت از ثبات بازار در شرایطی بود که زیرساخت‌های نظارتی، عمق بازار و ابزارهای کنترلی امروز وجود نداشت. با این حال، تجربه سال‌های اخیر نشان داد که این ابزار به‌ویژه در نمادهای بزرگ، دارای سهام شناور مناسب و ارزش معاملات بالا، به‌تدریج کارایی خود را از دست داده و حتی در مواردی به مانعی برای کارکرد صحیح بازار تبدیل شده است.

در بخش قابل‌توجهی از نمادهای بازار، حجم مینا عملا موجب کند شدن تعدیل قیمت‌ها، ایجاد گسست زمانی در واکنش قیمت به اطلاعات جدید و کاهش سرعت تعاملی شده بود. در چنین شرایطی، قیمت پایانی لزوماً بازتاب‌دهنده واقعیت عرضه و تقاضای روزانه نبود و این موضوع، به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران حرفه‌ای و نهادهای مالی، هزینه‌های عملیاتی پنهان و ریسک تصمیم‌گیری را افزایش می‌داد. از این منظر، می‌توان گفت که حجم مینا به‌جای ایفای نقش تثبیت‌کننده، در مواردی به عاملی برای کاهش کارایی عملیاتی بازار سرمایه بدل شده بود.

حذف عملی حجم مینا، به‌طور طبیعی می‌تواند به افزایش نقدشوندگی، روان‌تر شدن معاملات و بهبود فرآیند کشف قیمت منجر شود. در بازاری که قیمت‌ها سریع‌تر و دقیق‌تر به اطلاعات واکنش نشان می‌دهند، تخصیص منابع کارآتر انجام شده و جذابیت بازار برای سرمایه‌گذاران بلندمدت و حرفه‌ای افزایش می‌یابد.

بورس روی ریل سیاست ارزی جدید

بهره‌مندی از ظرفیت‌های بالقوه موجود در کشور را در اولویت قرار داد.



همچنان در اختیار صنایع بزرگ است. با وجود فضای مثبت حاکم بر معاملات، همه گروه‌ها از این موج منتفع نشدند. برخی صنایع از جمله چندرشته‌ای صنعتی و استخراج نفت و گاز، بیشترین خروج پول حقیقی را در معاملات روز شنبه تجربه کردند. در بخش صندوق‌های سرمایه‌گذاری نیز خروج سرمایه از صندوق‌های درآمد ثابت و طلا و ورود پول به صندوق‌های سهامی و شاخصی، نشانه‌ای از افزایش ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران و تقویت نگاه صعودی به بازار سهام در ابتدای هفته تلقی می‌شود.

پیام سیاستگذار، موتور تقاضای بورس را روشن کرد

ابراهیم سماوی، تحلیلگر بازار سرمایه تاکید کرد: «روز گذشته را می‌توان یکی از سبزترین روزهای بازار سرمایه در طول سال دانست. حدود ۹۶ درصد نمادها در محدوده مثبت معامله شدند و بیش از ۶۲۰ نماد بازدهی مثبت ۲ تا ۳ درصدی داشتند. از منظر جریان نقدینگی نیز شاهد ورود بیش از ۲.۵ همت پول حقیقی به سهام، حق‌تقدم‌ها و صندوق‌های سهامی بودیم که بخش قابل‌توجهی از آن به صندوق‌های سهامی اختصاص یافت؛ موضوعی که نشان‌دهنده خوش‌بینی فعالان نسبت به بازار سرمایه است.» او با بیان اینکه رشد دیروز را نمی‌توان صرفا با اعداد شاخص یا سبزپوشی تابلو توضیح داد، افزود: «آنچه دیروز رخ داد، بیش از آنکه یک واکنش قیمتی باشد، پاسخ بازار به یک پیام سیاسی بود. رشد معادار شاخص‌ها، همراهی بدنه بازار و افزایش محسوس مشارکت معامله‌گران نشان داد که حرکت روز شنبه نه از جنس هیجان، بلکه حاصل یک برداشت مثبت از فضای تصمیم‌سازی و سیگنال‌های ارسال‌شده از سوی سیاستگذار بود.» سماوی ادامه داد: «حضور چهره‌های شاخص دولت و مقامات اقتصادی در فضای بازار،

فراغ از محتوای سخنان، حامل یک پیام نمادین مهم بود؛ اینکه بازار سرمایه دیده می‌شود. در بازاری که طی سال‌های اخیر بیش از هر چیز از بی‌توجهی و تصمیم‌های ناگهانی آسیب دیده، همین نشانه‌های توجه می‌تواند اثر روانی قابل‌توجهی بر رفتار سرمایه‌گذاران بگذارد و بخشی از اعتماد از دست‌رفته، به‌ویژه پس از رویدادهای سال ۱۳۹۹ را احیا کند.»

این تحلیلگر بازار سرمایه با اشاره به هم‌جهتی شاخص کل و شاخص هموزن گفت: «همزمانی رشد این دو شاخص نشان می‌دهد که افزایش قیمت‌ها محدود به چند نماد بزرگ و شاخص‌ساز نبود و کلیت بازار در این رشد مشارکت داشت. چنین رفتاری معمولا زمانی مشاهده می‌شود که سرمایه‌گذاران احساس کنند ریسک سیستماتیک بازار کاهش یافته و می‌توانند فراتر از چند سهم خاص، به کل بازار نگاه کنند.» او افزایش ارزش معاملات را نیز نشانه‌ای مهم دانست و تصریح کرد: «رشد ارزش معاملات این برداشت را تقویت می‌کند که نقدینگی واردشده صرفا نوسان‌گیرانه نیست و بخشی از آن با نگاه کوتاه‌مدت و حتی شکل‌گیری تدریجی نگاه میان‌مدت وارد بازار شده است. به باور من، بازار دیروز بیش از آنکه به سودآوری شرکت‌ها واکنش نشان دهد، به کاهش نااطمینانی سیاست‌سازان نسبت به آینده سرمایه‌گذاران بازار اهمیت زیادی داشته است.» سماوی در ادامه خاطر‌نشان کرد: «تجربه نشان داده حتی در دوره‌هایی که بازار از منظر سودآوری و نسبت‌های ارزش‌گذاری در سطوح جذاب قرار داشته، اگر احساس تغییر در قواعد بازی و حمایت سیاسی وجود نداشته، رشد پایداری شکل نگرفته است. دیروز اما نشانه‌هایی از گفت‌وگو، شنیده‌شدن بازار و تمایل به ثبات دیده شد و همین موضوع موتور

بورس و بانک

روزنامه
در اقتصاد
شماره ۱۴۰۵ • ۱۴ فروردین ۱۳۹۴ • شماره ۸۹۴
www.marzeghtesad.ir

♥ **بازی جایگزین**

حجم مینا در زمان یکی از موفق‌ترین و متخصص‌ترین مدیران تاریخ بورس ایران معرفی شد، با علم به اینکه راهکاری موقتی برای برخی مشکلات است و قرار نیست بیش از دو دهه ادامه یابد اما پس از دوران ریاست وی و با وجود تمام تغییرات گسترده در بورس ایران، تصویب قانون مهم بازار اوراق بهادار در سال ۱۳۸۴، تاسیس سازمان بورس و… حجم مینا پایدار ماند، هر چند در گذر زمان سعی شد اندکی تعدیل شود یا در مورد برخی ابزارها، برخی سهام در بازارهای خاص و… اعمال نشود، اما در عمل قسمت اعظم بازار همچنان تحت‌تأثیر آن بود تا امروز. عملا فراغ از نقاط قوت و ضعف حجم مینا و منطبق نرفته در پس آن و این موضوع که آیا این منطق هنوز معنا دار است، و اگر معنا دار است در ارتباط با کدام سهام و تحت کدام شرایط؟ مهم‌ترین عامل روانه شدن سیل انتقادها به سمت حجم مینا ماهیتی نبوده و صرفا به این دلیل بوده که حداقل در اکثر بازارهای اوراق بهادار توسعه‌یافته در سطح جهان چنین سازوکاری وجود ندارد.

حداقل سه دلیل مهم برای عدم نیاز به حجم مینا در زمان حاضر در مقایسه با ابتدای دهه ۸۰می‌توان ذکر کرد:

۱- مکانیسم‌های خودجوش و درون بازاری

جایگزین حجم مینا

مقررات و قوانینی که طی حداقل یک دهه گذشته در ارتباط با افزایش معامله‌پذیری سهام از طریق توسعه بحث بازارگردانی، ایجاد صندوق‌های تخصصی در این زمینه، الزام به بازارگردانی در برخی سهام خاص وضع شده عملا راهکاری بسوده جهت حذف علت ایجاد مفهوم حجم مینا، از طریق بهبود مکانیسم عرضه و تقاضا با کمک ابزارها و سازوکارهای جدید بدون نیاز به مقررات محدودکننده و مختل‌کننده (حجم مینا از آن دسته مقرراتی است که بیش از آنکه محدودکننده باشد مختل‌کننده بازار و تعادل آن است).

۲- فرقیته‌های جایگزین قانونی مقابله با

دستکاری

اگر حجم مینا را به عنوان ابزاری جهت جلوگیری خودکار و سیستماتیک از دستکاری قیمت سهام مدنظر قرار دهیم، باید ببندیم که این ابزار از هوشمندی کافی برخوردار نبوده و در بسیاری موارد از ایجاد تعادل قیمتی در بسیاری سهام و حتی کلیت بازار جلوگیری کرده است، در تمامی این سال‌ها ابزارهای قانونی نظیر ابطال معاملات و… موجود بوده که تا حدی می‌تواند از برخی تخلفات آشکار و سلبید که یکی از آنها دستکاری قیمت است جلوگیری کند، لذا عملا وجود این راهکارها نیز یکی از دلایل کاهش نیاز به سازوکار حجم مینا است.

۳- وسعه زیرساخت‌ها

موضوع زیرساخت‌ها در چند بعد قابل اشاره است:

الف) زیرساخت‌های عملاتی که باعث سهولت انجام معامله و افزایش دسترسی اشخاص و بالا بردن سرعت دسترسی شده و همین افزایش حجم معاملات و کاهش توان یک گروه محدود در دستکاری قیمت و مهم‌تر از آن سرعت واکنش فعالان بالقوه و بالفعل به هر نوع دستکاری قیمتی و انجام معاملات جبرانی، نیاز به حجم مینا را کاهش داده است. (در این راستا ایجاد الگوریتم‌های خصوصی شناسایی موارد احتمالی دستکاری قیمتی و آلارم‌دهی به فعالان بازار جهت مداخله سریع و خودجوش شاید بهتر از نظرات مستقیم نهادهای بالادستی و دستکاری بازار باشد.)

زیرساخت‌های دانشی با کمک اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و نهادهای ملی متعدد تاسیس شده از جمله سیدگردان‌ها و شرکت‌های پردازش اطلاعات مالی و… باعث افزایش سطح دانش فعالان بازار و دسترسی به اطلاعات شرکت‌های بورسی شده و مسوولیت نهادهای ناظر و سازمان بورس را در قبال هر نوع دستکاری احتمالی قیمتی کاهش می‌دهد.

اثر حجم مینا بر بازی بزرگان

از دیدگاه نظریه بازی‌ها وجود حجم مینا که هزینه تأثیرگذاری بر قیمت را بالا می‌برد آستانه‌ای برای «فراگذاری استراتژیک» ایجاد می‌کند و بازی را از یک بازی low-cost signaling به یک بازی costly signaling تبدیل می‌کند، حذف حجم مینا هزینه دستکاری قیمت (منظور هر نوع تغییر و جابه‌جایی قیمت است و نه لزوما آن نوع دستکاری قیمت که طبق قانون خلاف و مشمول مجازات است) را کاهش می‌دهد و اثرگذاری سفارش‌های کوچک را بالا می‌برد و در ظاهر باعث افزایش قدرت معامله‌گران خرد در برابر بزرگان بازار می‌شود، اما در عمل بیشتر به نفع معامله‌گران حرفه‌ای است که می‌توان آنها را به دو دسته معامله‌گران حرفه‌ای سنتی و نوسان‌گیران و بازیگران سریع بازار و معامله‌گران حرفه‌ای مدرن مبتنی بر الگوریتم و معاملات کوچک و متعدد High-frequency-like strategies تقسیم کرد. در کل تعادل با نفع بازیگران مختلف و چابک که توان اجرای استراتژی‌های متنوع و مختلط را دارند افزایش می‌یابد.

در طرف مقابل بازی‌زدگان اصلی نیز در میان همین معامله‌گران خرد هستند، معامله‌گران خرد غیرحرفه‌ای. چرا که در کل فعالان خرد بازار اغلب price-taker هستند نه price-maker. و لذا قیمت را سیگنال اطلاعاتی معتبر فرض می‌کنند و همان‌طور که گفتیم از آنجا که حذف حجم مینا هزینه دستکاری قیمت را کاهش می‌دهد نوسان و دستکاری قیمتی باعث ارسال سیگنال‌های اطلاعاتی غیر معتبر (یا حداقل کمتر

▼ ضرورت توجه به کشاورزی ارگانیک

تامین مومق و اقتصادی نهاده‌ها که معمولاً بذر، کود و سم هستند و سرمایه مالی و سرمایه انسانی نیز در صدر آنهاست، لازمه تولیدات کشاورزی، دامی و شیلات است.ت. روشن است که بدون آب کافی و خاک مناسب، تولید حرفه‌ای اکثر محصولات کشاورزی ممکن نیست یا اینکه تولیدشان پرهزینه خواهد بود. بدون تامین بذر و نهال، بدون تامین کود چه در نظام ارگانیک و چه در نظام‌های تولید رایج، تولید با عملکرد اقتصادی به‌ندرت قابل تصور است و همه اینها بدون احترام و لحاظ سرمایه اجتماعی، حرمت به پیشکسوتان و دانش بومی و تامین‌نیازهای سرمایه‌ای آن دشوار خواهد بود. لذا قبل از بیان انتقارات از کشاورزان و حتی کشت و صنعت‌های بزرگ، انتظار می‌رود بانک‌ها و سرمایه‌گذاران کلان که نیروی انسانی تحصیلکرده و امکانات، سرمایه‌ها و ارتباطات دارند، گام‌های مناسب و متناسب با شرایط طبیعی و شرایط اقتصادی خاص پیشنهاد و اجرایی کنند؛ چراکه شاید اگر در شرایط مطلوب تمرین کشاورزی ارگانیک کرده بودیم، امروز وابستگی کمتری به نهاده‌های غیرارگانیک داشتیم.

مفهوم و اصول چهارگانه ارگانیک، عبارت از انصاف، سلامت، مراقبت و اکولوژی است. یکی از اصول کشاورزی ارگانیک، اصل انصاف است، یعنی محصولات باید نه گران باشد و نه ارزان؛ بلکه لازم است که قیمت آنها یک رقم منصفانه باشد. در نظام تولید ارگانیک، درس‌های جالبی نه‌تنها برای کشاورزی و صنعت بلکه برای قوام سرمایه اجتماعی و حتی حاکمیت و منطقه‌نفته‌است که برای عبور از شرایط خاص اقتصادی و طبیعی (خشکسالی) می‌توان از آن بهره برد. شاید محصول ارگانیک را گران بخرنند تا تولیدکننده ارگانیک را تشویق کنند، اما گران‌فروشی آن اصل انصاف را خدشدار کرده و محصول را از ارزش اخلاقی ارگانیک خارج می‌کند. واسطه‌های ضاعف در نظام ارگانیک اصولی، قابل‌قبول نیست؛ دلیل این امر آن است که اضافه شدن واسطه‌ها به چرخه عرضه و تقاضا سبب گرانی می‌شود و همین اصل انصاف را خدشدار می‌کند. به‌عمرال، هر گاه محصولی به مقدار نیاز بازار تولید یا تامین نشود، انگیزه برای افزایش قیمت پیدا شده و به عبارتی مکانیسم‌های عرضه و تقاضا می‌تواند سبب گرانی آن بشود. این مطلب الزاماً به معنای گران بودن تولید نیست، کما اینکه تولیدکنندگانی که می‌شناسیم، عمدتاً باانصاف‌اند و رعایت مشتریان شناخته‌شده خود را می‌کنند. شاید وارداحل اصولی، حتی در این شرایط طبیعی و اقتصادی، تولید ارگانیک بیشتر است، اما ابتدا جامعه را حداقل اقشاری از جامعه به محصولات ارگانیک باید توجه بکنند تا تولیدکننده و واردکننده به فکر تولید یا تامین بیشتر محصولات ارگانیک بیفتند.

طبق آخرین آمار در سال ۲۰۲۳، ایران در سطحی حدود ۱۵هزار هکتار کشت ارگانیک (حدود یک‌هزارم سطح کشاورزی کشور) داشته است که حدود ۱۵۰۰ اتن از تولید آنها صادر شده و الباقی در ایران مصرف شده است. اززیبای‌های پژوهشی نشان می‌دهد هنوز شور و شوق لازم در بین مصرف‌کنندگان در داخل کشور شکل نگرفته است، لذا محصولات ارگانیک به قصد صادرات و برای جوامع صادراتی تولید می‌شود، مانند صادرکنندگان بنسنت ارگانیک، انار ارگانیک، خرمای ارگانیک، سماق ارگانیک.

معهود تولیدکنندگانی که خود را بی‌مزنه به تولید ارگانیک برای جوامع داخلی می‌پوشند، به دلایل موجه و ناموجه چندان مورد تشویق قرار نمی‌گیرند چند شایلیکار ایرانی محصول ارگانیک به چند سبک به تولید و عرضه یرنج از گلیک می‌پردازند که در مقالهای در پنج‌هلمن این سایت تائیس قدراسیون جنبش‌های بین‌المللی ارگانیک در کروجنوی به ۲۰۲۲ مقایسه شدند. به‌علاوه روش‌های تولید ارگانیک، امروزه مجهز به نهاده‌های بیولوژیک هستند و حتی می‌توانند در شرایطی عملکرد را افزایش دهند، چرا که از سموم شیمیایی که درصدی از محصول را کاهش می‌دهند اما از آن محافظت می‌کنند در این روش تولید ارگانیک استفاده نمی‌شود.

برخی نهاده‌های لازم برای این نظام تولید منظم و درخرو تحسین را بهتر است بیشتر بشناسیم؛ عوامل کنترل بیولوژیک، کودهای معدنی مجاز و گلیک مانند کود معدنی گوگردی برای اصلاح خاک و ایجاد محیط مناسب برای فعالیت موجودات زنده در خاک، به‌خصوص کرم خاکی در سبایه کشاورزی حفاظتی که از قطرات آب در خاک حراست می‌کند، زمینه را برای تولید دانش‌بینان ارگانیک با توجه به شرایط جدید قیمت‌ها فراهم می‌کند.

توجه به تحقیق و توسعه شایسته مبتنی بر روش‌های درست ارگانیک،کنترل بیولوژیک، کودهای سبز، کودهای بیولوژیک و کاهش مصرف سموم باید در دستور کار باشد و برنامه ابلاغی وزیر وقت کشاورزی در ۱۳ اسفند ۱۳۹۰ کماکان می‌تواند مبنای کار باشد؛ تولید سویای ارگانیک می‌تواند زمینه ساز تولید مرغ ارگانیک و رسیدن به متوسط جهانی تولید ارگانیک و سهم از بازار صادرات بیش از ۱۳۰میلیاردیوروی جهان ارگانیک و بازار ۲۰۳۰ که قرار است در۲۰۵۵درصد تپه و تامین محصولات غذایی را از منابع ارگانیک تامین کند، باشد. به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری بیشتر در تحقیق و توسعه کشاورزی ارگانیک در سطح ملی و منطقه‌ای، توسعه انواع محصولات مناسب و گسترش نهاده‌های آموزشی کشاورزان مورد نیاز است. با سرمایه‌گذاری در حد لازم و کافی، روش‌های کشاورزی نوآورانه مانند آگروکولوژی و بهبود پایداری و انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات آب‌وهوایی باید بیشتر مدنظر قرار گیرد.



کنترل ترافیک با دوربین‌های کور

«**بینا حسن پور** – فقط ۳ دوربین از هر ۱۰۰ دوربین ترافیکی در خیابان‌های تهران، فعال یا روشن است؛ به‌طوری‌که ۱۴۵۰ فقره از دوربین‌ها به‌خاطر آنچه «نبود تجهیزات به‌روز رسانی» عنوان می‌شود، قادر به رهگیری تخلفات نیستند.

این عدم کارایی، عدم کنترل هوشمند جریان تردد خودروها و موتورسیکلت‌ها در خیابان، باعث «عبورامن» از مقررات راهنمایی و رانندگی شده؛ خدعادی که هرج‌ومرج ترافیکی روزانه و رکورد‌های حوادث مرگبار را به‌بنالداشته است. تهران یک تجربه موفق در «کنترل هوشمند ترافیک» در دهه ۸۰ دارد. صدیقه نژادفریان: فعال‌بودن تنها حدود ۳درصد از دوربین‌های شهری تهران، مانع از ثبت موثر تخلفات رانندگی در شهر شده و هم‌زمان با افزایش بار ترافیکی، خیابان‌های پایتخت را با نوعی هرج‌ومرج ترافیکی قابل توجه روبه‌رو کرده‌است؛ به‌طوری‌که شمار تصادفات درون‌شهری نیز افزایش قابل‌توجهی داشته‌است. براساس اعلام سردار سیدتیمور حسینی، رئیس پلیس راهور، در تهران از حدود ۱۵۰۰ دوربین رهگیری ثبت تخلفات رانندگی، تنها ۵۰۰ دوربین فعال هستند که به‌عنوان مهم‌ترین عامل افزایش تخلفات رانندگی و تشدید تصادفات درون‌شهری شناخته می‌شوند. به‌طوری‌که طبق اعلام سرهنگ جهان‌شاه بهرام‌آبادی، جانشین پلیس راهور تهران بزرگ، تعداد تصادفات فوتی موتورسیکلت‌سواران در پایتخت طی هشت ماه گذشته در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، ۵۰ درصد افزایش یافته‌است.

با توجه به حجم بالای تردد موتورسیکلت‌ها، بیشترین تخلفات این گروه از کاربران ترافیکی شامل حرکت در خلاف جهت که حتی در بزرگراه‌ها نیز مشاهده می‌شود، عبور از پیاده‌رو، ورود به خطوط ویژه، حمل‌بار غیرمجاز و عدم‌استفاده از کلاه ایمنی است. افزایش چشمگیر تخلفات موتورسواران در سطح شهر، بیش از هر چیز ناشی از خاموش‌بودن «چشم کنترل ترافیک» است که امکان رهگیری تخلفات رانندگی را از بین برده و عملاً مسیر را برای گسترش هرج‌ومرج در تخلفات ترافیکی باز کرده‌است. با این‌حال، در کنار خاموشی گسترده سامانه‌های رهگیری تخلفات در تهران که اکنون به یکی از معضلات جدی شهر تبدیل شده، پایتخت در گذشته تجربه‌ای موفق در حوزه رهگیری هوشمند ترافیک داشته‌است؛ تجربه‌ای که در صورت احیای دوباره آن، مدیریت شهری می‌تواند تا حد قابل‌توجهی از بروز بخش زیادی از تخلفات شهری جلوگیری کند.

در همین راستا، «دنیایاقتصاد» در گفت‌وگویی با مهرداد تقی‌زاده، معاون اسبق حمل‌ونقل وزارت راه و شهرسازی و رئیس انجمن حمل‌ونقل پاک



مختصات سال جاری آبی

و پایدار، به بررسی راز این تجربه موفق رهگیری هوشمند دوربین‌های شهری در دهه ۸۰ پرداخته است. تقی‌زاده با اشاره به سازوکار نصب دوربین‌های کنترل محدوده ترافیکی در تهران توضیح داد: در دهه ۸۰، در یکی از جلسات تصمیم‌گیری مرتبط با پروژه‌های هوشمندسازی ترافیک شهر تهران که در ساختمان شرکت کنترل ترافیک برگزار شد، موضوع خرید و نصب دوربین‌های کنترل محدوده ترافیکی در دستور کار قرار گرفت. هدف این پروژه، ثبت عبور خودروها از محدوده‌های ترافیکی و اجرای موثر مقررات شهری، مشابه سازوکار دوربین‌های کنترل سرعت بود. در این جلسات، پیش از ورود به فرآیند مناقصه، مشخصات فنی دوربین‌ها از جمله کشور سازنده، برند، دقت ثبت تصویر و استانداردهای فنی با دقت بالا استخراج شد. این موارد به‌طور کامل در اسناد مناقصه درج شد و مقرر شد پیمانکاری بر اساس ترکیبی از قیمت مناسب و کیفیت فنی انتخاب شود. در این مرحله، کلیت مسیر پیش‌نهادی موردتوافق حاضران قرار داشت. با این‌حال، پرسشی کلیدی مطرح شد که مسیر بحث را تغییر داد؛ پس از خرید و نصب دوربین‌ها، نگهداری و تعمیرات آنها چگونه تضمین خواهدشد؟ پاسخ اولیه این بود که با همان پیمانکار یا پیمانکاری دیگر، قرارداد جداگانه‌ای برای نگهداری و تعمیرات منعقد شود و هزینه تعمیرات به‌صورت مودی پرداخت شود. اما بلافاصله این پرسش اساسی مطرح شد که آیا در چنین مدلی، پیمانکار نگهداری انگیزه‌ای برای سالم ماندن طولانی‌مدت تجهیزات دارد؟

جمع‌بندی بحث روشن بود؛ وقتی درآمد پیمانکار از محل تعمیرات تامین می‌شود، خرابی تجهیزات به‌معنای ایجاد درآمد است و سالم ماندن آنها به کاهش درآمد منجر می‌شود، در نتیجه همه متفق‌القول پذیرفتند که این مدل با یک تعارض منافع ساختاری مواجه است و احتمال خرابی‌های مکرر، آگاهانه یا ناآگاهانه در آن بالاست. مساله دیگر به اصالت تجهیزات مربوط می‌شد. این نگرانی مطرح شد که حتی با تعیین مشخصات فنی دقیق، چگونه می‌توان از نصب دوربین‌های اصل‌اطمینان حاصل کرد؟ پاسخ رسمی وجود «ناظر» بود، اما در همان جلسه تصریح شد که در عمل، نظام نظارت همواره قادر به حذف ریسک نیست و احتمال تایید تجهیزات غیراصل وجود دارد. برایند این مباحث نشان می‌داد که مدل سنتی قرارداد، نه از منظر کیفیت تجهیزات و نه از منظر کیفیت نگهداری، پاسخگو نیست.

راهکاری که در همان جلسات مطرح و سپس در شهرداری تهران اجرا شد، مبتنی بر «تغییر منطق قرارداد» بود. بدلی، انتخاب پیمانکار برای خرید، نصب و سپس دریافت هزینه تعمیرات، پیشنهاد شد «سرمایه‌گذار» انتخاب شود. در این مدل، شهرداری هزینه‌ای بابت خرید تجهیزات پرداخت نمی‌کند و سرمایه‌گذار مسوول خرید، نصب، بهره‌برداری، نگهداری و تعمیرات دوربین‌هاست. پرداخت شهرداری نه بر اساس خرید تجهیزات یا تعداد تعمیرات، بلکه به ازای هر عکس معتبر ثبت‌شده انجام می‌شود. در پایان هر ماه، بر اساس تعداد تصاویر ثبت‌شده، مبلغی به سرمایه‌گذار پرداخت می‌شود؛ عددی که به‌گونه‌ای تنظیم‌شده بود که هزینه‌ها و سود منطقی او را پوشش دهد. منطق این مدل، تامین مالی نبود، بلکه «تضمین کیفیت عملکرد» بود. اگر دوربین کار نکند، فیک باشد یا به‌درستی نگهداری نشود، اولین منضمر «سرمایه‌گذار» است؛ زیرا از زمانی‌که تصویری ثبت نشود، پرداختی هم صورت نمی‌گیرد، به‌همین‌دلیل، سرمایه‌گذار انگیزه دارد بهترین تجهیزات را انتخاب کند، نگهداری را به‌صورت اصولی انجام دهد و خرابی‌ها را در کوتاه‌ترین زمان ممکن شناسایی کند. در بسیاری از موارد، حتی دوربین جایگزین آماده نصب وجود داشت تا فرآیند ثبت تخلف متوقف نشود.

این مدل از تصویب نهای، در نصب دوربین‌های محدوده ترافیکی تهران اجرا شد و پس از مشاهده نتایج، به سایر حوزه‌ها از جمله دوربین‌های کنترل سرعت، پارکترها، سیستم بلیت مترو و کارتهای مترو نیز تسری یافت. چند سال بعد، اززیبای‌ها نشان‌داد که‌درصد خرابی دوربین‌ها عملاً به نزدیک صفر رسیده‌است؛ چراکه هر خرابی بلافاصله به زبان سرمایه‌گذار منتقل می‌شود. در این گگو، شهرداری، در واقع «دوربین» نمی‌کند، بلکه خدمت «ثبت تصویر» را خریداری می‌کند و بابت خروجی واقعی هزینه می‌پردازد. این‌س نوع قرارداد در ادبیات جهانی با عنوان Performance-(PBC Based Contract) یا «قرارداد مبتنی بر عملکرد» شناخته می‌شود؛ مدلی که پرداخت در آن بر اساس خروجی واقعی است، نه حجم فعالیت یا تعداد تعمیرات. تقی‌زاده تأکید کرد: کاربرد PBC محدود به دوربین‌های ترافیکی نیست و در پروژه‌های مانند آسفالت، راه‌سازی، معابر شهری و حتی خطوط تولید نیز قابل‌استفاده است.

یکی از دلایل اصلی خرابی گسترده آسفالت‌ها، تفکیک مسوولیت بین پیمانکاران زیرسازی و روسازی است؛ به‌گونه‌ای که در زمان خرابی، مسوول مشخصی وجود ندارد، در حالی‌که در مدل PBC، یک پیمانکار مسوول ساخت، بهره‌برداری و نگهداری کل مسیر است و درآمد او به سالم‌بودن معبر وابسته است. در این چارچوب، حتی برای جاده‌های بدون عوارض نیز می‌توان قراردادادبیلندمدت(مثلاً ۲۰ ساله) تعریف کرد و سلاتانه مبلغ ثابتی متناسب با تورم به پیمانکار پرداخت کرد. این پرداخت نه بابت رفع خرابی، بلکه بابت سالم‌بودن مسیر انجام می‌شود. در مقابل، عدم‌اجرای این مدل در حوزه دوربین‌های درون‌شهری و برون‌شهری، از جمله در مسیرهایی مانند تهران‌قم، به خرابی‌های گسترده و نوسانی تجهیزات انجامیده است. به گفته او، تا زمانی‌که چنین پروژه‌هایی به سمت قراردادهای مبتنی بر عملکرد حرکت نکنند، دستیابی به کیفیت پایدار و سلامت مستمر تجهیزات ممکن نخواهد بود.

در این سال از مجموع استان‌های کشور، تنها دو استان اندکی بارش مثبت را تجربه کردند و سیاستگذاران مدام هشدارهایی مبنی بر لزوم صرفه‌جویی در مصرف آب می‌دادند. در این بین، راهکارهای گوناگونی به‌منظور بهبود تنش آبی پیشنهاد می‌شد. برخی از این راهکارها عبارت از شیرین کردن آب دریا، انتقال آب، تغییر الگوی کشت برخی محصولات و همچنین اصلاح قیمت آب بود که موافقان و مخالفانی داشت.

برای مثال طرح انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان به منظور تامین آب شرب و صنعتی دو استان ساحلی و شش استان غیرساحلی مرکزی ایران یکی از این راهکارهاست. انتقال آب از دریای عمان به استان‌های شمال شرق درحال حاضر ۱۹درصد پیشرفت فیزیکی داشته و طرح انتقال آب خلیج فارس به هرمزگان، یزد و کرمان، نیز راناندازی شده است.

در این طرح، سامانه شرقی برای انتقال آب به سه استان سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان رضوی تعریف شده و همچنین سه سامانه فراهای یک تا سه خلیج فارس آب دریا را به هرمزگان، کرمان، یزد و در صورت نیاز اسفهان منتقل می‌کند. «باشگاه اقتصاددانان»، روزنامه «دنیای اقتصاد» در این پرونده تلاش دارد هم‌زمان با آغاز سال آبی جدید، به بررسی دو مساله بحشرانگیز، یعنی «انتقال آب» و «کشاورزی در سال آبی». مبرازد.

خدمات شهری در «تله ملکی»



با درنظر گرفتن جمعیت ساکنان شهرهای اقماری تهران، جمعیت این شهر به ۱۳میلیون

نفر نیز می‌رسد که این رقم معادل بزرگ‌ترین بازار کشور و یکی از بزرگ‌ترین بازارهای خاورمیانه است. کیفیت بازار مسکن در برخی پایتخت‌های بزرگ دنیا سهم آورده است؛ چراکه جمعیت ساکنان این شهر جزو پردرآمدترین‌ها در کشور به‌شمار می‌روند.

جای خالی توجه به نیازهای اساسی شهر

مدیریت شهری با درنظر گرفتن نیازهای اشهر تهران و پتانسیل‌های این شهر برخی نقاط جذاب برای سرمایه‌گذاری را شناسایی و در اطلس جامع سرمایه‌گذاری شهرداری تهران معرفی کرده‌است. از ۲۲ رشته اصلی تعریف‌شده برای جلب مشارکت سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در شهر تهران تنها ۳ مورد در راستای چالش‌های اساسی شهروندان تعریف شده‌است. این موارد عبارتند از: «فعالیت‌های اقتصادی در حوزه کلان معضلات شهر تهران، مانند ترافیک، آلودگی هوا، مسکن، احیای بافت فرسوده و…»، «فرصت‌های شراکت بخش خصوصی و شهرداری تهران در تامین زیرساخت‌های شهری» و «فعالیت‌های اقتصادی در حوزه‌های مرتبط با کلان معضلات اقتصادی کشور، مانند کمبود آب، کمبود برق، مصرف بالای انرژی و…»

درواق درحالی‌که شهروندان تهرانی عدم‌توسعه کافی در بخش حمل‌ونقل عمومی، آلودگی هوا، عدم‌نگهداشت صحیح شهر و عدم‌جمع‌آوری صحیح پسماند را در زمره خواست اصلی خود عنوان می‌کنند؛ برنامهریزی بر حوزه‌های دیگری متمرکز است و این خواسته‌های اصلی شهروندان حتی در جلب سرمایه‌های خصوصی نیز در حاشیه قرار دارد.

«ایجاد نیروگاه‌های خورشیدی در نقاط مختلف شهر»، «ایجاد ایستگاه‌های شارژ خود تامین خودروهای برقی در نقاط مختلف شهر»، «تولید موتورسیکلت، دوچرخه و اسکوتر برقی»، «اجرای انواع طرح‌های صرفه‌جویی در مصرف برق در معابر و ساختمان‌های عمومی شهر از طریق تعویض لامپ‌ها با حمایت شهرداری و اداره برق منطقه‌ای»، «اجرای طرح تعویض موتور کولرهای آبی در منازل و ادارت شهر با حمایت شهرداری و اداره برق منطقه‌ای»، «توسعه خطوط مترو تهران(شامل خطوط، ایستگاهها قطارها»، توسعه ناوگان اتوبوسرانی و تاکسی‌رانی با محویت تاکسی و اتوبوس برقی»، «واگذاری نگهداری از بوستان‌های شهر به بخش خصوصی»، «ایجاد و نگهداری سرویس بهداشتی عمومی در شهر»، «واگذاری بهره‌برداری از مجتمع‌های تجاری متعلق به شهرداری‌های بخش خصوصی»، «واگذاری بهره‌برداری از مجموعه‌های ورزشی متعلق به شهرداری به بخش خصوصی»، «واگذاری بهره‌برداری از رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌های متعلق به شهرداری به بخش خصوصی»، «ایجاد مراکز اقامتی ۴ و ۵ ستاره در نقاط مختلف شهر تهران متناسب با تخمین تقاضای طرح جامع گردشگری» و «تامین زیرساخت‌های شهری از اولویت‌بندی ابتدایی در جهت‌های جنوبی شهر با تکیه بر مناطق پردرآمد و با ایجاد مراکز اقامتی ۴ و ۵ ستاره در مناطق مختلف شهر تهران متناسب با تخمین تقاضای طرح جامع گردشگری» و «تامین زیرساخت‌های شهری در جهت‌های جنوبی شهر با تکیه بر مناطق پردرآمد و با ایجاد مراکز اقامتی ۴ و ۵ ستاره در مناطق مختلف شهر تهران متناسب با تخمین تقاضای طرح جامع گردشگری» و «تامین دوم تامین زیرساخت شهری قرار دارند که این موضوع نیز با تکیه بر جلب مشارکت بخش خصوصی قابل تحقق است.

جذب ۵همت سرمایه بخش خصوصی

نوید خصاصه‌ف مدیرعامل سازمان سرمایه‌گذاری شهرداری تهران در گفت‌وگو با «دنیایاقتصاد» درخصوص میزان جذب سرمایه محقق شده در این شرکت طی این دوره مدیریت شهری گفت: «وجود مشکلات ساختاری در فرآیند جذب سرمایه باعث‌شده بود تا جذب سرمایه‌های بخش‌خصوصی از سوی این سازمان با چالش مواجه شود، بنابراین ابتدا تمرکز سازمان سرمایه‌گذاری شهرداری تهران در این دوره بر رفع این ایرادات ساختاری بود. طی یک سال اخیر پس از رفع چالش‌های ساختاری این سازمان موفق به جذب حدود ۵همت سرمایه شد. در عین‌حال وضعیت قراردادهای این سازمان به ارزش ۶۶همت نیز تعیین تکلیف شد. درواقع تعدادی پروژه سرمایه‌گذاری از قبل در شرکت تعریف‌شده بود، اما برای آن تصمیمی اخذ نشده بود، بخشی از پروژه‌ها راکد رها شده و برخی در محاکم دادگاه بود، خوشبختانه توانستیم در این دوره، از طریق مصالحه و توافق با شرکا و سرمایه‌گذاران قراردادهای با مجموع ارزش ۶۶همت نیز تعیین‌تکلیف‌کرد و از حالت رکود به حالت فعال تبدیل کنیم.

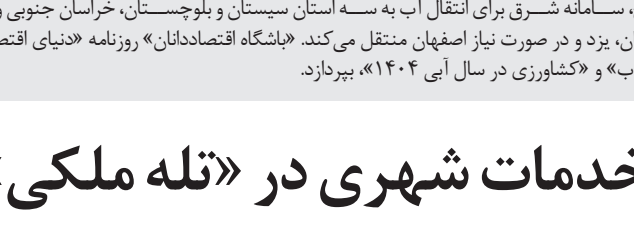


مسیر ویژه اتوبوس تندرو

این عدم کارایی، عدم کنترل هوشمند جریان تردد خودروها و موتورسیکلت‌ها در خیابان، باعث «عبورامن» از مقررات راهنمایی و رانندگی شده؛ خدعادی که هرج‌ومرج ترافیکی روزانه و رکورد‌های حوادث مرگبار را به‌بنالداشته است. تهران یک تجربه موفق در «کنترل هوشمند ترافیک» در دهه ۸۰ دارد. صدیقه نژادفریان: فعال‌بودن تنها حدود ۳درصد از دوربین‌های شهری تهران، مانع از ثبت موثر تخلفات رانندگی در شهر شده و هم‌زمان با افزایش بار ترافیکی، خیابان‌های پایتخت را با نوعی هرج‌ومرج ترافیکی قابل توجه روبه‌رو کرده‌است؛ به‌طوری‌که شمار تصادفات درون‌شهری نیز افزایش قابل‌توجهی داشته‌است. براساس اعلام سردار سیدتیمور حسینی، رئیس پلیس راهور، در تهران از حدود ۱۵۰۰ دوربین رهگیری ثبت تخلفات رانندگی، تنها ۵۰۰ دوربین فعال هستند که به‌عنوان مهم‌ترین عامل افزایش تخلفات رانندگی و تشدید تصادفات درون‌شهری شناخته می‌شوند. به‌طوری‌که طبق اعلام سرهنگ جهان‌شاه بهرام‌آبادی، جانشین پلیس راهور تهران بزرگ، تعداد تصادفات فوتی موتورسیکلت‌سواران در پایتخت طی هشت ماه گذشته در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، ۵۰ درصد افزایش یافته‌است.

با توجه به حجم بالای تردد موتورسیکلت‌ها، بیشترین تخلفات این گروه از کاربران ترافیکی شامل حرکت در خلاف جهت که حتی در بزرگراه‌ها نیز مشاهده می‌شود، عبور از پیاده‌رو، ورود به خطوط ویژه، حمل‌بار غیرمجاز و عدم‌استفاده از کلاه ایمنی است. افزایش چشمگیر تخلفات موتورسواران در سطح شهر، بیش از هر چیز ناشی از خاموش‌بودن «چشم کنترل ترافیک» است که امکان رهگیری تخلفات رانندگی را از بین برده و عملاً مسیر را برای گسترش هرج‌ومرج در تخلفات ترافیکی باز کرده‌است. با این‌حال، در کنار خاموشی گسترده سامانه‌های رهگیری تخلفات در تهران که اکنون به یکی از معضلات جدی شهر تبدیل شده، پایتخت در گذشته تجربه‌ای موفق در حوزه رهگیری هوشمند ترافیک داشته‌است؛ تجربه‌ای که در صورت احیای دوباره آن، مدیریت شهری می‌تواند تا حد قابل‌توجهی از بروز بخش زیادی از تخلفات شهری جلوگیری کند.

در همین راستا، «دنیایاقتصاد» در گفت‌وگویی با مهرداد تقی‌زاده، معاون اسبق حمل‌ونقل وزارت راه و شهرسازی و رئیس انجمن حمل‌ونقل پاک



شهرها برای اداره و ارائه خدمات به شهروندان نیاز به سرمایه و منابع مالی دارند؛ در اغلب شهرهای بزرگ و مدرن دنیا بخشی از نیاز به منابع مالی از طریق جلب مشارکت بخش خصوصی محقق می‌شود؛ به‌منحی‌که در برخی پایتخت‌های بزرگ دنیا سهم آورده بخش خصوصی در تامین خدمات حوزه شهری چندبرابر سهم بودجه‌مدیریت شهری است، اما دستس تهران از آورده بخش خصوصی در تامین خدمات تقریباً خالی است؛ سازمان سرمایه‌گذاری شهر تهران طی بازه یک‌ساله ۵همت منابع مالی از بخش خصوصی جذب کرد و بررسی ریز درآمد بودجه نیم‌سال اول اسنال نیز نشان از سهم محدود بخش خصوصی در تامین مالی شهر تهران دارد. این درحالی است که حوزه‌هایی نظیر «نگهداشت شهر»، «خدمات حمل‌ونقل عمومی»، «رقی‌سازی» و «توسعه گردشگری و اماکن تفریحی» نیاز مبرمی به جذب سرمایه بخش خصوصی دارند، اما چالش‌های مهمی نظر بوروکراسی دشوار در جذب سرمایه و عدم‌عایدی مناسب با توجه به شیوه تعیین قیمت این خدمات باعث‌شده تا سرمایه‌گذاران بخش خصوصی تمایلی برای ورود به این حوزه‌ها نداشته باشند.

در این شرایط مدیریت شهری به‌جای تمرکز بر چالش‌ها و جذب‌کردن سرمایه‌گذاری در بخش خدمات موردنیاز شهر، به‌دنبال جذب سرمایه‌گذار با تکیه بر زمین و مجوز ساختوساز است. این رویه مدیریت شهری در جذب سرمایه‌گذار نه‌تنها چالش کمبود منابع برای اداره شهر را مرتفع نمی‌کند، بلکه باعث می‌شود اندک منابع محدود بخش خصوصی نیز به حوزه‌هایی نظیر ساختوساز سوق داده شود که نتیجه آن لزوماً بر کیفیت زندگی شهر و شهروندان تأثیر مثبتی نمی‌گذارد.

بخش خصوصی در شهر سرمایه‌گذاری نمی‌کند

کاهش محسوس درآمدهای مدیریت شهری از دریافت عوارض ساختوساز طی سال‌های اخیر به‌دلیل رکود در این صنعت و احتمال استمرار این وضعیت درمیان و بلن‌مدت باعث‌شده تا مدیران شهری به فکر راه‌های جایگزین درآمدزایی برای شهر باشند؛ جذب سرمایه از طریق بخش خصوصی یکی از قابل‌اتکاترین شیوه‌ها برای اداره شهر شمرده می‌شود. به‌عنوان نمونه در پایتخت‌های مدرنی نظیر پاریس و لندن، میزان سرمایه جذب‌شده توسط بخش خصوصی بیش از ۳برابر بودجه‌عمومی برای اداره شهر است، اما در شهرها مختلف کشور وضعیت کاملاً متفاوت است. به گفته نوید خصاصه‌ف، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری شهر تهران طی یک سال‌اخیر ۵همت سرمایه بخش خصوصی برای پایتخت از بخش خصوصی جذب شد که با درنظر گرفتن بودجه ۲۳۰همتی شهر تهران برای سال ۱۴۰۴، سرمایه بخش خصوصی سهمی ۴درصدی از کل هزینه‌های شهر داشت.

همچنین به عقیده کارشناسان حوزه شهری، بررسی کارنامه بودجه‌مدیریت شهری در ردیف «درآمد ناشی از سود سهام سازمان‌ها و شرکت‌ها»، «سود ناشی از مشارکت شهرداری در سرمایه‌گذاری» و «منابع حاصل از آورده شهرداری در پروژه‌های مشارکتی» نمای از موفقیت مدیریت شهری در جذب سرمایه بخش خصوصی را بیان می‌کند.

براساس گزارش درآمد و بودجه شهرداری تهران در نیمه ابتدایی اسمال، درآمد ناشی از «سود سهام سازمان‌ها و شرکت‌ها» ۸۰۰میلیاردتومان بود که بخشی از این درآمد مربوط به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در شهر است؛ سهم «سود ناشی از مشارکت شهرداری در سرمایه‌گذاری‌ها» برابر ۵۷میلیاردتومان بود و درآمد «منابع حاصل از آورده شهرداری در پروژه‌های مشارکتی» صفر بود. مجموع این داده‌های ثبت وضعیت نامطلوب جذب سرمایه بخش خصوصی به مدیریت شهری را تایید می‌کند. درحالی مدیریت شهری در جذب سرمایه بخش خصوصی موفق نبوده‌است که پایتخت در بسیاری از حوزه‌ها از جمله انواع خدمات حوزه شهری از کیفیت مطلوبی برخوردار نبوده و برای رسیدن به شرایطی قابل‌قبول شهر به جذب منابع مالی بخش خصوصی نیاز دارد. بررسی‌های کارشناسی و میدانی «توسعه مراکز تفریحی و گردشگری»، «نگهداشت شهر» از جمله «نگهداشت بوستان‌ها»، «نگهداشت سرویس‌های بهداشتی عمومی»، «نگهداشت معابر»، «جمع‌آوری پسماند و بازیابی» و «توسعه حمل‌ونقل عمومی» را اولویت شهر برای جذب سرمایه بخش خصوصی و ارتقای کیفیت خدمات می‌داند. در این شرایط دو سوال مطرح است، چرا تهران در جذب سرمایه بخش خصوصی آنگونه که انتظار می‌رود موفق نبوده و دوم آنکه سرمایه اندک جذب‌شده عمدتاً مربوط به چه حوزه‌هایی است؟

بررسی‌ها حاکی از آن است که عمده سرمایه خصوصی جذب‌شده توسط مدیریت شهری مربوط به بخش ملک و ساختمان با انواع کاربری بوده‌است. در این مدل شهرداری تامین‌کننده مجوز ساخت یا زمین یا هر دو بوده و سرمایه‌گذار نقش سازنده را ایفا می‌کند.

مراکز اقتصاد

شنبه ۲۹ فروردین ماه۱۴۰۵شماره۸۹۴

www.marzeghtesad.ir

❖ **بازی جدید نفتی در خلیج فارس**
درحالی‌که کشورهای عربی خلیج فارس با فروش بخشی از زیرساخت‌های نفت و گاز خود به کنسرسیوم‌های بین‌المللی، میلیاردها دلار سرمایه جذب می‌کنند، ایران نیز با در اختیار داشتن گسترده‌ترین شبکه خطوط لوله در خاورمیانه و ظرفیت بالای انتقال نفت و گاز، می‌تواند از مدل‌های مشابه برای تامین مالی پروژه‌های انرژی و توسعه زیرساخت‌ها بهره گیرد.

تجربه موفق کشورهایی مانند امارات و عربستان

در واگذاری محدود دارایی‌ها بدون از دست دادن

کنترل عملیاتی، می‌تواند برای ایران بویژه در

شرایط محدودیت‌های مالی و تحریم‌ها، لگوی

قابل‌توجهی باشد.

در سال‌های اخیر، شرکت‌های ملی نفت در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس رویکرد تازه‌ای را در مدیریت دارایی‌های خود در پیش گرفته‌اند؛ رویکردی که هدف آن تامین نقدینگی میلیاردری از زیرساخت‌های نفت و گاز، بدون واگذاری کنترل عملیاتی است. این الگو که ابتدا در امارات و عربستان آغاز شد، امروز به یکی از استراتژی‌های اصلی تامین سرمایه در منطقه بدل شده است.

امارات: پیشگام جذب سرمایه
شرکت ملی نفت ابوظبی (ADNOC) از پیشگامان روند جذب سرمایه محسوب می‌شود. این شرکت در سال ۲۰۱۹ با ایجاد زیرمجموعه‌ای به نام «ADNOC Oil Pipelines» و اجاره ۱۸ خط لوله به کنسرسیومی متشکل از بلکراک (BlackRock) و KKR به مدت ۲۳ سال، توانست ۴میلیارد دلار سرمایه جذب کند. در این معامله، ۴۰ درصد سهام به سرمایه‌گذاران واگذار شد، درحالی‌که ADNOC مالکیت اکثریت و کنترل کامل عملیات را حفظ کرد.

در سال بعد، ADNOC با دیگر با تاسیس Gas Pipelines و ADNOC، واگذاری ۳۹ درصد سهام به گروهی از شش جایگاه‌گذار بین‌المللی از جمله GIP، بروت‌فیلد، صندوق ثروت ملی سنگاپور (GIC) و شرکت ایتالیایی Snam. حدود ۱۰میلیارد دلار دیگر جذب کرد. در سال ۲۰۲۴، شرکت سرمایه‌گذاری «Lunafat» مستقر از ابوظبی سهام کنسرسیوم‌های بلکراک و KKR را خریداری کرد. این شرکت زیر نظر شیخ طحون بن زاید آل‌نهیان، مشاور امنیت ملی امارات، اداره می‌شود و به بازیگر کلیدی تازه‌ای در بازار سرمایه‌گذاری انرژی منطقه تبدیل شده است.

آرامکو و تداوم خصوصی‌سازی
آرامکو عربستان نیز در مسیر مشابهی گام برداشته است. این غول نفتی در سال ۲۰۲۱ شرکت «Aramco Oil Pipelines Co» را ایجاد کرد و ۴۹ درصد سهام آن را به کنسرسیومی به رهبری EIG Global Energy Partners (شامل ۱۲ میلیارد دلار بود و شامل اجاره ۲۵ ساله خطوط لوله می‌شد، در همان سال، آرامکو با تشکیل شرکت «Aramco Gas Pipelines» و واگذاری سهم مشابهی به گروهی به رهبری بلکراک و شرکت سرمایه‌گذاری «Hassana» حدود ۱۵میلیارد دلار دیگر به دست آورد. در سال جاری (۲۰۲۵)، آرامکو بار دیگر با امضای قراردادی به ارزش ۱۱میلیارد دلار با کنسرسیومی به رهبری Global Infrastructure Partners (که از سال ۲۰۲۴ در مالکیت بلکراک قرار دارد) زیرساخت‌های مرتبط با پروژه میدان گازی «جعفر» را واگذار کرد.

ایمن میدان بزرگ‌ترین پروژه گاز غیر همراه در عربستان سعودی است که آرامکو آن را با هدف تامین گاز داخلی، توسعه صنایع پایین‌دستی و کاهش وابستگی به نفت خام اجرامی‌کند. آرامکو در تمام این معاملات مالکیت اکثریت و کنترل عملیاتی را حفظ کرده است. به گزارش رویترز، آرامکو اکنون قصد دارد تا پنج تریلوگه گازسوز خود را نیز بفروشد؛ اقدامی که می‌تواند تا ۴میلیارد دلار نقدینگی جدید ایجاد و بخشی از طرح گسترده‌تر این شرکت برای آزادسازی سرمایه و افزایش انعطاف مالی باشد.

عنان: ورود به بورس برای جذب سرمایه
در عمان، شرکت ملی نفت و گاز OQ در سال ۲۰۲۳ با عرضه اولیه سهام واحد خطوط لوله گاز خود (OQ Gas Networks) و فروش ۴۹ درصد سهام در بازار سهام مسقط، حدود ۷۵۰میلیون دلار سرمایه جذب کرد. سرمایه‌گذاران کلیدی این عرضه شامل صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان (PIF)، نهاد سرمایه‌گذاری قطر (QIA) و شرکت بلژیکی Fluxys بودند. دولت عمان با حفظ ۵۱ درصد سهام، کنترل عملیاتی این شبکه را در دست دارد.

شرکت Bapco Energies بحرین نیز سال گذشته با فروش بخشی از سهام خط لوله نفتی مشترک با عربستان به صندوق زیرساخت بلکراک، نخستین تجربه خود را در واگذاری زیرساخت‌های انرژی رقم زد. اگرچه ارزش این معامله اعلام نشد، اما به گفته منابع نزدیک، این اقدام نقطه آغاز سیاست جدید بحرین برای استفاده از درایی‌های نفتی جهت تامین منابع مالی است.

در شرایطی که منطقه خلیج فارس شاهد شکل‌گیری موج تازه‌ای از واگذاری دارایی‌های انرژی است، ایران با برخورداری از ظرفیت‌های عظیم خطوط لوله، پتروشیمی و زیرساخت‌های صادراتی، می‌تواند با طراحی مدل‌های بومی و شفاف مشابه، مسیر تازه‌ای برای جذب سرمایه داخلی و خارجی باز کند. تجربه به‌سنگین‌اش نشان داده که «بومی‌سازی هوشمند دارایی» لزوماً به معنای واگذاری مالکیت نیست، بلکه می‌تواند ابزاری کارآمد برای تقویت نقدینگی، تسریع پروژه‌ها و حفظ کنترل ملی بر منابع انرژی باشد.

صرفاً یک تغییر اجرائی به‌نظر می‌رسد، درحالی‌که در واقع مقدمه‌ای برای اصلاحات عمیق‌تر در حکمرانی انرژی است.

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

هدف نخست: جایگزینی بنزین فیزیکی با ارزش ریالی یارانه نخستین و ششاید بنیادی‌ترین هدف دولت، فاصله‌گرفتن از «واریز فیزیکی بنزین» و حرکت به سمت واریز ارزش‌ریالی یارانه سوخت به‌کارت بانکی افراد است. در نظام فعلی، دولت یارانه را به‌صورت بنزین ارزان‌قیمت در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌دهد؛ به این معنا که خود کالا(بنزین) حامل یارانه است. این شیوه، علاوه‌بر ایجاد انگیزه برای مصرف بیشتر، زمینه‌ساز قاچاق و اتلاف منابع نیز شده‌است.

در مدل جدید، قرار است ارزش‌ریالی یارانه بنزین در لحظه پرداخت محاسبه شود. به بیان ساده، شهروند هنگام سوخت‌گیری همچنان از کارت سوخت برای تعیین میزان لیتراژ استفاده می‌کند، اما در زمان پرداخت، سامانه بانکی به‌صورت هوشمند تشخیص می‌دهد چه بخشی از بهای بنزین مشمول یارانه است و آن را از طریق کارت بانکی فرد اعمال می‌کند. این سازوکار، شباهت زیادی به نظام‌های یارانه اعتباری در برخی کشورها دارد که به‌جای توزیع کالای یارانه‌ای، قدرت خرید یارانه‌ای را در اختیار افراد قرار می‌دهند. چنین تغییری، اگر در مراحل بعدی تکمیل شود، می‌تواند مسیر را برای شفاف‌سازی هزینه واقعی یارانه بنزین هموار کند؛ هزینه‌ای که سال‌هاست به‌عنوان «یارانه‌پنهان» در بودجه کشور انباشته شده و فشار سنگینی بر منابع عمومی وارد کرده‌است.

هدف دوم: افزایش امنیت شبکه توزیع سوخت
دومین هدف دولت، افزایش تاب‌آوری و امنیت شبکه توزیع سوخت در برابر اختلالات و حملات سایبری است. تجربه حملات سایبری به بانک‌ها نشان‌داد؛ تمرکز بیش از حد فرآیندهای حیاتی روی یک بستر دیجیتال می‌تواند ریسک‌های جدی ایجاد کند. در طرح جدید، با حفظ کارت سوخت به‌عنوان ابزار فیزیکی سوخت‌گیری و تفکیک آن از درگاه‌های بانکی، تلاش شده این ریسک کاهش یابد. به بیان دیگر، کارت سوخت همچنان وظیفه شناسایی خودرو و ثبت میزان مصرف را بر عهده دارد و شبکه بانکی صرفاً در مرحله تسویه مالی و اعمال یارانه وارد عمل می‌شود. این تفکیک، باعث می‌شود حتی در صورت بروز اختلال در شبکه بانکی، فرآیند عرضه فیزیکی سوخت متوقف نشود. به‌همین دلیل دولت بر نقش مرکز مدیریت راهبردی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات ریاست‌جمهوری به‌عنوان نهاد ناظر تأکید ویژه‌ای دارد تا از صیانت داده‌های بانکی و اطلاعات مصرف سوخت اطمینان حاصل شود.

هدف سوم: انتقال یارانه از خودرو به فرد
اما هدف سوم که بسیاری از کارشناسان آن را مهم‌ترین بخش این اصلاح می‌دانند، زمینه‌سازی برای انتقال تدریجی سهمیه سوخت از «خودرو» به «فرد» است. در نظام فعلی، یارانه بنزین به خودرو تعلق می‌گیرد؛ به این معنا که هر کس مالک خودرو باشد، صرف‌نظر از سطح درآمد یا میزان نیاز، از یارانه برخوردار می‌شود. این سازوکار، سال‌هاست مورد انتقاد اقتصاددانان قرار دارد، چراکه توزیع یارانه را ناعادلانه می‌کند و به نفع دهک‌های پردرآمد تمام می‌شود. انتقال سهمیه به‌کارت بانکی، این امکان را فراهم می‌کند که در مراحل بعدی، یارانه بنزین مستقیماً به افراد تخصیص یابد، نه به خودرو. در چنین مدلی، حتی می‌توان تصور کرد شهروندی که خودرو ندارد نیز بتواند از سهمیه یارانه‌ای خود استفاده کند یا آن را در قالب‌های دیگری مصرف کند. هرچند دولت تاکنون به‌صراحت از اجرای چنین سناریویی سخن نگفته، اما زیرساختی که اکنون در حال طراحی است، دقیقاً چنین قابلیتی را ایجاد می‌کند. این تحول، می‌تواند مقدمه‌ای برای بازنگری اساسی در سیاست یارانه انرژی باشد؛ سیاستی که در حال حاضر یکی از پر هزینه‌ترین و ناکارآمدترین بخش‌های اقتصاد ایران محسوب می‌شود.

چالش‌ها و ابهام‌ها
با وجود اهداف اعلام‌شده، اجرای این طرح با پرسش‌ها و ابهاماتی نیز همراه است. دسترسی اقشار فاقد حساب بانکی فعال، نحوه مدیریت اختلالات احتمالی شبکه بانکی در شرایط بحرانی و میزان آمدگی جایگاه‌های سوخت برای تطبیق با سازوکار جدید، از جمله چالش‌هایی است که باید در دوره آزمایشی سه‌ماهه مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین برخی کارشناسان هشدار می‌دهند؛ بدون اصلاح تدریجی قیمت‌ها و کنترل رشد مصرف، حتی هوشمندترین ابزارهای توزیع نیز قادر به مهار ناترازی بنزین نخواهند بود.
در مجموع، انتقال سهمیه سوخت به‌کارت بانکی را باید فراتر از یک تغییر فنی دید. این طرح، بخشی از یک پازل بزرگ‌تر در حکمرانی انرژی است؛ پازلی که از اصلاح قیمت بنزین آزاد در آذرماه آغاز شده و اکنون به بازتعریف شیوه تخصیص یارانه رسیده‌است. اگر دولت بتواند این مسیر را با شفافیت، اجماع اجتماعی و به‌تدریج ادامه دهد، ششاید برای نخستین‌بار پس از سال‌ها، امکان خروج از بن‌بست یارانه بنزین و حرکت به سمت یک نظام عادلانه‌تر و کارآمدتر فراهم شود.

بانک آمریکایی گلدمن‌ساکس پیش‌بینی کرده؛ میانگین قیمت‌های نفت‌خام برنت و دبیلیو تی‌آی آمریکا در سال ۲۰۲۶، به کمتر از ۶۰دلار برای هر بشکه می‌رسد. به گزارش «شانا» به نقل از رویترز، موسسه مالی گلدمن‌ساکس در گزارشی اعلام کرده؛ انتظار می‌رود قیمت دو شاخص نفت‌خام برنت و دبیلیو تی‌آی آمریکا در سال ۲۰۲۶، بترتیب به میانگین ۵۶ و ۵۲ دلار برای هر بشکه برسد. این بانک تأکید کرده؛ به‌جز در صورت بروز اختلال‌های بزرگ در عرضه یا کاهش تولید سازمان کشورهای صادرکننده نفت(اوپک)، افت قیمت نفت برای ایجاد تعادل دوباره در بازار پس از سال ۲۰۲۶ لازم خواهد بود. قیمت نفت‌خام شاخص برنت روز جمعه با ۱۲اسنت کاهش، به ۵۹ دلار و ۷۰اسنت برای هر بشکه رسید، در همین‌حال نفت‌خام شاخص دبیلیو تی‌آی آمریکا با ۱۶اسنت کاهش، ۵۵دلار و ۹۹اسنت به ازای هر بشکه دادوستد شد. گلدمن‌ساکس انتظار دارد قیمت نفت در اواسط سال ۲۰۲۶، به پایین‌ترین سطح خود برسد، زیرا بازارها پیش‌بینی ایجاد تعادل دوباره را آغاز کرده‌اند. این بانک آمریکایی ادامه‌داد؛ رشد تقاضای مطلوب حدود روزانه یکمیلیون و ۲۰۰هزار بشکه، کاهش بیشتر عرضه روسیه در صورت ادامه تنش‌های مسکو و کی‌یف، تحریم‌ها و افت تولید کشورهای غیراوپک به‌جز روسیه از عوامل اصلی این روند خواهند بود. این بانک آمریکایی یادآور شد؛ ما خطراتی نزولی خالص را برای چشم‌انداز قیمت نفت ۲۰۲۶ تا ۲۰۲۵ مشاهده می‌کنیم،

شرکت‌های «اس‌ئی‌اف‌تی» و «اتی» امضا شد.

وزیر انرژی ترکیه در یک نشست خبری تأکید کرد: قراردادهایی که امضا کرده‌ایم و از سال۲۰۲۷ به بعد اجرا می‌شوند، در مقایسه با قرارداد با تامین‌کندنگان فعلی ما از جمله روسیه، ایران و سایر تامین‌کنندگان کنونی، بسیار رقابتی‌تر هستند. وی همچنین افزود؛ ترکیه در حال بازارایی سید تامین انرژی خود است و ال‌ان‌جی در آینده نقش مهم‌تری در بازار انرژی این کشور ایفا خواهد کرد. در همین راستا، شرکت «اس‌ئی‌اف‌تی» اعلام کرده؛ ال‌ان‌جی موردنیز «بوتاش» را از سید جهانی خود تامین خواهد کرد، سبدی که بخش اصلی آن را ال‌ان‌جی تولیدی ایالاتمتحده تشکیل می‌دهد و بر اساس قراردادهای بلندمدت و مطمئن تضمین شده‌است، با وجود تلاش ترکیه برای تنوع‌بخشی به منابع گازی از طریق قراردادهای جدید ال‌ان‌جی، وزیر انرژی این کشور تأکید کرده؛ نیاز به گاز روسیه همچنان برای امنیت انرژی پابرجاست. وی توضیح داد؛ ترکیه در سال آینده نیز طبق دو قرارداد با شرکت «گازپروم» در واردات گاز از روسیه ادامه خواهد داد. در عین‌حال، تمرکز بر تمدید قراردادهای کوتاهمدت یک‌ساله است و طبق این قراردادها، ۱۶ و ۵٫۸میلیارد مترمکعب گاز از طریق خطوط لوله «بلو استریم» و «ترکاستریم» تامین خواهند شد.

وزیر انرژی ترکیه در یک نشست خبری تأکید کرد: قراردادهایی که امضا کرده‌ایم و از سال۲۰۲۷ به بعد اجرا می‌شوند، در مقایسه با قرارداد با تامین‌کندنگان فعلی ما از جمله روسیه، ایران و سایر تامین‌کنندگان کنونی، بسیار رقابتی‌تر هستند. وی همچنین افزود؛ ترکیه در حال بازارایی سید تامین انرژی خود است و ال‌ان‌جی در آینده نقش مهم‌تری در بازار انرژی این کشور ایفا خواهد کرد. در همین راستا، شرکت «اس‌ئی‌اف‌تی» اعلام کرده؛ ال‌ان‌جی موردنیز «بوتاش» را از سید جهانی خود تامین خواهد کرد، سبدی که بخش اصلی آن را ال‌ان‌جی تولیدی ایالاتمتحده تشکیل می‌دهد و بر اساس قراردادهای بلندمدت و مطمئن تضمین شده‌است، با وجود تلاش ترکیه برای تنوع‌بخشی به منابع گازی از طریق قراردادهای جدید ال‌ان‌جی، وزیر انرژی این کشور تأکید کرده؛ نیاز به گاز روسیه همچنان برای امنیت انرژی پابرجاست. وی توضیح داد؛ ترکیه در سال آینده نیز طبق دو قرارداد با شرکت «گازپروم» در واردات گاز از روسیه ادامه خواهد داد. در عین‌حال، تمرکز بر تمدید قراردادهای کوتاهمدت یک‌ساله است و طبق این قراردادها، ۱۶ و ۵٫۸میلیارد مترمکعب گاز از طریق خطوط لوله «بلو استریم» و «ترکاستریم» تامین خواهند شد.

شرکت‌های «اس‌ئی‌اف‌تی» و «اتی» امضا شد.

رونمایی دولت از راهبرد ترانزیتی

شد. اصلاح شبکه حمل‌ونقل باید بر اساس استانداردهای بین‌المللی، فناوری مناسب و کیفیت پایدار انجام شود و اقدامات مقطعی و کوتاهمدت پاسخگوی نیازهای کشور نخواهد بود.

رئیس‌جمهوری با اشاره به اهمیت آینده‌نگری در طراحی کردپورها گفت: «در بسیاری از کشورهای پیشرفته، از ابتدا حرمیه‌های وسیع برای مسیرهای حمل‌ونقلی در نظر گرفته شده تا در صورت نیاز، توسعه ریلی، جاده‌ای، خدمات تین راهی و زیرساخت‌های مکمل بدون مانع ایجاد شود. زمین سرمایه ملی است و باید از ابتدا به‌گونه‌ای مدیریت شود که نسل‌های آینده نیز بتوانند از آن بهره‌مند شوند». پزشکیان بر لزوم مدیریت یکپارچه حمل‌ونقل کشور تأکید کرد و گفت: «شبکه‌ای که فرماندهی واحد نداشته باشد، دچار ناهماهنگی می‌شود. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد حمل‌ونقل شهری، جاده‌ای، ریلی، هوایی و دریایی باید در قالب یک نظام هماهنگ و با سیاستگذاری واحد اداره شود و دولت در حال طراحی و اجرای مدل مدیریت واحد حمل‌ونقل است».

تشکل‌ها و بخش خصوصی در چارچوبی هدفمند و نظام‌مند گفت: «این واگذاری به‌گونه‌ای انجام خواهد شد که هم ارائه‌دهندگان خدمات، هم بهره‌برداران و هم حاکمیت از کارایی و کیفیت خدمات رضایت داشته باشند. این فرآیند نیازمند گفت‌وگو، تعامل و تعریف چارچوب‌های روشن و پاسخگو است».

رئیس‌جمهوری با اشاره به نقش بهرهوری در کاهش مشکلات حوزه حمل‌ونقل، بر نرسدستی ناوگان فرسوده، کاهش مصرف سوخت، جایگزینی وسایل نقلیه پاک و ارتقای‌ایمنی جاده‌ها تأکید کرد.

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir



اتصال کارت سوخت به کارت بانکی

❖ **بلا جلیلووند** – دولت با ابلاغ آیین‌نامه انتقال سهمیه بنزین به کارت بانکی، به‌دنبال اصلاح ساختاری یارانه سوخت است. این سیاست با هدف جایگزینی یارانه ریالی به‌جای بنزین مصرفی، افزایش امنیت شبکه توزیع در برابر اختلالات سایبری و زمینه‌سازی برای انتقال یارانه سوخت از خودرو به فرد اجرا می‌شود.

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

منابع: www.marzeghtesad.ir

چالش‌های تدوین نقشه پایدار برای تجارت ایران

تجارت خارجی در معنای کلان خود صرفا نتیجه تصمیم‌های مقطعی یا اراده بازیگران منفرد نیست، بلکه محصول یک بستر نهادی، ساختاری و تاریخی است که در آن امکان طراحی، پیش‌بینی و تداوم سیاست‌ها فراهم می‌شود. در چنین نگاهی پرسش اصلی این نیست که چرا ایران نقشه تجاری ندارد؛ بلکه این است که چه شرایطی حاکم شده که در آن نقشه‌داشتن عملا ناممکن است. این تمایز مفهومی ما را از دآوری‌های شخصی و نهادی دور و به سطح تحلیل اقتصاد سیاسی کلان نزدیک می‌کند.

چالش‌های تدوین نقشه پایدار برای تجارت ایران اقتصاد ایران از منظر ساختار تولید، تجاری مستلزم ثبات نسبی در سه حوزه است: افق تولید، افق نهادی و افق تعاملات خارجی. نقشه زمانی معنا دارد که بتوان درساره مسیر آینده تصمیم گرفت و از تداوم آن اطمینان نسبی داشت. در شرایطی که این‌ا فقا چه‌به‌طور مداوم دست‌خوش تغییر هستند، سیاست تجاری ناگزیر به واکنش‌های کوتاه‌مدت فروکاسته می‌شود. مساله ایران دقیقا در همین نقطه قرار دارد؛ نه به‌دلیل فقدان ظرفیت، بلکه به‌واسطه سیال‌بودن مداوم محیط تصمیم‌گیری.

اقتصاد ایران از منظر ساختار تولید، متکی بر انرژی، صنایع بالادستی و تولیدات میان‌پایه است؛ ساختاری که ذاتا به اقق‌های بلندمدت، سرمایه‌گذاری پایدار و بازارهای قابل پیش‌بینی نیاز دارد. با این حال زمانی که متغیرهای کلان اقتصادی از نرخ ارز گرفته تا سیاست‌های تجاری در بازه‌های کوتاه تغییر می‌کنند، امکان هم‌راساسازی تولید با بازارهای هدف از بین می‌رود. در چنین فضای، نه بنگاه می‌تواند استراتژی صادراتی تعریف کند و نه سیاستگذار قادر است مسیر مشخصی را تثبیت کند. بنابراین فقدان نقشه تجاری بیش از آنکه ناشی از تصمیم‌نگرفتن باشد، حاصل ناپایداری افق تصمیم‌گیری است.

در سطح نهادی نیز نقشه‌داشتن مستلزم پیش‌بینی‌پذیری است. اما زمانی که قواعد تجارت خارجی، نظام ارزی، سازوکارهای تأمین مالی و حتی اولویت‌های سیاست خارجی به‌طور مستمر در حال تغییر هستند، تجارت در وضعیت «شش‌انور» قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی کنشگران اقتصادی یاد می‌گیرند به‌جای برنامه‌ریزی خود را با شرایط تطبیق دهند. این تطبیق‌پذیری، اگرچه موجب ثبات بقا در ممکن می‌کند، اما در بلندمدت امکان طراحی نقشه را از بین می‌برد. نقشه نیازمند ایستایی نسبی است؛ درحالی‌که محیط تجارت ایران نسبتا سیال است.

از منظر تعاملات خارجی نیز نقشه تجاری زمانی شکل می‌گیرد که کشور بتواند جایگاه خود را در نظام اقتصاد جهانی تعریف کند. این جایگاه نه صرفا سیاسی است و نه صرفا اقتصادی، بلکه ترکیبی از هر دو است. در شرایطی که روابط خارجی تحت تاثیر عدمقطعیت‌های مداوم قرار دارد، تفکیک بازارها و تعریف نقش پایدار بر شرق یا غرب دشوار می‌شود. نه غرب به‌عنوان بازاری قاعده‌محور، امکان اتکای بلندمدت می‌یابد و نه شرق به‌عنوان بازاری مقیاس‌محور، افق قابل پیش‌بینی ارائه می‌دهد. در نتیجه، تجارت در وضعیتی معلق باقی می‌ماند که در آن، نقشه‌داشتن به‌لحاظ عملیاتی معنا پیدا نمی‌کند.

ویژگی غالب این وضعیت، «واکنشی‌شدن عقلانیت تجاری» است. در چنین بستری، سیاست‌ها نه براسا رسیدن به مقصدی مشخص، بلکه برای مدیریت شرایط جاری اتخاذ می‌شوند. هر شوک بیرونی یا درونی، مسیر تجارت را اندکی جابه‌جا می‌کند، بی‌آنکه این‌جابه‌جایی‌ها در چارچوب یک مسیر از پیش طراحی‌شده معنا یابند. این وضعیت، نه نشانه فقدان آگاهی، بلکه پیامد منطقی زیستن در محیطی با عدم‌قطعیت ساختاری است.

در ادامه باید تاکید کرد از منظر ژئواکونومیک نیز هرچند ایران در موقعیتی ممتاز قرار دارد، اما بهره‌برداری از این موقعیت مستلزم پیوند آن با استراتژی تجاری بلندمدت است. در شرایطی که اولویت‌ها، قواعد و مسیرها دائما در حال بازتعریف هستند، مزیت جغرافیایی به‌جای آنکه به راهبرد تبدیل شود، به ظرفیت بالقوهای معلق بدل می‌شود. بنابراین، «معطل‌ماندن ژئو اکونومیک» بیش از آنکه ناشی از غفلت باشد، حاصل نبود بستر لازم برای تبدیل مزیت به نقشه است. به‌عبارتی نمی‌توان از ناشنن نقشه تجارت سخن گفت، بی‌آنکه به شرایطی پرداخت که امکان نقشه‌داشتن را محدود کرده‌اند. مساله اصلی تجارت ایران، نه فقدان اراده نه خطای فردی و نه کمبود ظرفیت است؛ بلکه حاکم‌بودن وضعیتی است که در آن ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و افق بلندمدت به حداقل رسیده‌اند. تا زمانی که این شرایط کلان تغییر نکند، نقشه تجاری نه طراحی‌ناپذیر، بلکه بی‌معنا خواهد بود. در چنین بستری، نخستین گام نه ترسیم نقشه، بلکه فراهم‌کردن شرایطی است که نقشه‌داشتن را ممکن کند.



قفل دولتی بر صادرات معدنی

عر شیوا حسن پور –بازار جهانی مواد معدنی به‌دلیل کاربردهای متنوع این محصولات در تولید «انرژی پاک» بیش از همیشه رونق گرفته‌است. با این حال، تغییرات مکرر قوانین و مقررات در ایران باعث قفل شدن صادرات محصولات معدنی شده‌است.

در شرایطی که کمبود ارز به یک مشکل جدی در اقتصاد تبدیل شده، دولت با اعمال مالیات و عوارض بر صادرات مواد معدنی، رقابت‌پذیری محصولات ایرانی در بازارهای جهانی را کاهش داده است. در ابتدا تنها کالاهای «خام» مشمول عوارض صادراتی شده بودند تا از طریق زنجیره تولیدات معدنی تقویت شود. با اضافه شدن محصولات «نیمه‌خام» به لیست کالاهای مشمول و تفسیر قانونی موسع از این عبارت، در نهایت بخش قابل‌توجهی از زنجیره مکلف به پرداخت این عوارض شدند. کارشناسان معتقدند سیاستی که قرار بود تولید در پایین‌دست زنجیره را تقویت کند، به ابزاری برای درآمذاری دولت تبدیل شده‌است و سیاستگذاران با توجه به میزان ناترازی بودجه، نرخ عوارض را تعدیل می‌کنند؛ روندی که ادامه آن می‌تواند به کم‌رنگ‌تر شدن نقش ایران در بازارهای جهانی منجر شود.

سینا ولی‌میرزا: حذف تدریجی معافیت‌های مالیاتی در زنجیره فولاد که ابتدا با هدف مقابله با خام‌فروشی آغاز شد، حالا بر اثر تداخل قوانین، ابهام در مفاهیمی مانند «مواد نیمه‌خام» و تفسیرهای گوناگون دستگاه‌های اجرایی، به نقطه‌ای رسیده است که همزمان عوارض صادراتی و مالیات را بر بخش بزرگی از صادرات معدنی و فولادی تحمیل می‌کند؛ روندی که به گفته فعالان اقتصادی، می‌تواند از سنگ‌آهن تا شمش فولاد را دربرگیرد و در صورت تداوم، صادرات رسمی، شفاف و ارزآور کشور را با خطر قفل‌شدگی و از دست رفتن بازارهای بین‌المللی مواجه کند. در شرایطی که صادرات مواد معدنی و محصولات معدنی طی سال‌های گذشته به یکی از معهود مسیره‌های پایدار تأمین ارز کشور تبدیل شده، فعالان این حوزه نسبت به مسدود شدن مسیر شفاف تجارت هشدار می‌دهند؛ وضعیتی که نه‌تنها ناشی از محدودیت‌های خارجی است، بلکه حاصل سیاستگذاری‌های داخلی و برداشت‌های متغیر از قوانین بالادستی است.

به گفته کارشناسان، حذف یا تضعیف مشوق‌های صادراتی، بدون ارائه مسیر جایگزین برای ارتقای فناوری و تکمیل زنجیره ارزش، می‌تواند انگیزه تولید صادرات‌محور را به‌شدت کاهش دهد و بازارهایی را که طی سال‌ها با هزینه و ریسک بالا ایجاد شده‌اند، در معرض نابودی قرار دهد. فلسفه‌های مالیاتی و صادراتی در بخش معدن و صنایع معدنی، در احکام برنامه هفتم توسعه، با ابهام‌ها و تفسیرهای متناقضی مواجه شده است که به باور فعالان صنعت و کارشناسان اقتصادی، می‌تواند یکی از جدی‌ترین چالش‌های سال‌های اخیر برای تولید و تجارت خارجی کشور رقم بزند. تغییر هم‌زمان قواعد مربوط به معافیت‌های مالیاتی صادرات، وضع مالیات بر ارزش افزوده و عوارض صادراتی، فضایی از نااطمینانی را بر زنجیره تأمین مواد معدنی و صنایع وابسته حاکم کرده که پیامدهای آن فراتر از یک اختلاف تفسیر حقوقی ارزیابی می‌شود. سعید عسکروزاده، دبیر انجمن سنگان آهن ایران، در گفت‌وگو با «دنیایاقتصاد» به تشریح وضعیت موجود پرداخته‌است. او در این رابطه



گفت: «یکی از چالش‌های اساسی فعالان اقتصادی، فقدان پیش‌بینی‌پذیری در سیاستگذاری‌هاست. در شرایط کنونی شفافیت لازم وجود ندارد تا فعالان این حوزه بتوانند با اطمینان نسبت به آینده تصمیم‌گیری کنند و بدانند با چه قواعد و ضوابطی باید مسیر فعالیت خود را ادامه دهند. این نااطمینانی، طی سال‌های گذشته به‌صورت مستمر بر فضای تولید و صادرات کشور سایه انداخته است.»

عسکروزاده گفت: «بخش قابل‌توجهی از مشکلات فعلی، ریشه در تغییرات تدریجی اما بعضا ناسازگار قوانین مرتبط با صادرات مواد خام و نیمه‌خام دارد. در مقطعی، چارچوب حقوقی مشخص‌تری بر صادرات حاکم بوده است. بر اساس ماده ۳۵ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، درآمد حاصل از صادرات کالاهای خام مشمول معافیت مالیاتی (با مصطلح نرخ صفر مالیاتی) می‌شد. منطبق این حکم آن بود که در صورتی که یک بنگاه اقتصادی بخشی از مسود خود را از محل صادرات به‌دست آورد، آن بخش از سود، از شمول مالیات بر درآمد خارج است. اگرچه در اصلاحات بعدی، اصطلاح «معافیت» به «نرخ صفر مالیاتی» تغییر یافت، اما این جایگزینی، تغییری در ماهیت حکم قانونی ایجاد نکرد.» او افزود: «قانون‌گذار در همان مقطع، برخی اقلام از جمله مواد خام معدنی و مواد نفتی را از شمول این حکم مستثنی کرد و مقرر شد درآمد حاصل از صادرات این گروه از کالاها، برخلاف سایر کالاها، مشمول مالیات باشد. این اقلام در قالب فهرستی مشخص ذیل ماده ۳۵ تعریف شدند.»

او افزود: «بر اساس ماده ۲۷ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، دولت مجاز است نسبت به صادرات مواد خام به‌طور مشروط عوارض تعیین کند یا از تعیین آن خودداری نماید. این ماده سه معیار را از جمله مازاد بودن کالا در داخل کشور، قابلیت فرآوری و ایجاد ارزش افزوده در داخل و حفظ بازارهای بین‌المللی مشخص کرده است. به عبارت دیگر، اگر کالایی مازاد بر نیاز داخل باشد، یا اسکان فرآوری آن در داخل وجود نداشته باشد، یا وضع عوارض منجر به از دست رفتن بازارهای خارجی شود، می‌توان از اعمال عوارض صادراتی خودداری کرد. فلسفه این ماده ناظر بر حفظ بازارهای صادراتی و جلوگیری از تصمیمات ناگهانی و پرهزینه بود. با این حال، در عمل و در دوره‌های مختلف، این ملاحظات کمتر مورد توجه قرار گرفت و عوارض صادراتی، به‌ویژه در شرایط کسری بودجه، به‌عنوان ابزاری برای تأمین منابع مالی مورد استفاده قرار گرفت.»

افزایش محدودیت‌ها بر فعالیت‌های معدنی

عسکروزاده با اشاره به فضای حاکم بر برخی دوره‌های تصمیم‌گیری افزود: «در مقطعی، نگاه غالب بر این مینا شده‌است، پیش‌نیازهای دیگری نیز بین لیست شروط مالیات برای تأمین منابع مالی مورد استفاده قرار گرفت.»

رویکرد، در کنار فشار برخی بخش‌های پایین‌دستی برای تأمین مواد اولیه با قیمت پایین‌تر، زمینه‌ساز افزایش محدودیت‌ها بر فعالیت‌های معدنی شد. نتیجه این روند، اضافه شدن مفهوم «نیمه‌خام» به ماده ۳۵ بود؛ مفهومی که پیش از آن در متن قانون وجود نداشت و دامنه شمول محدودیت‌های مالیاتی و صادراتی را به‌طور قابل‌توجهی گسترش داد. هم‌زمان، در ماده ۱۴۱ قانون مالیات‌های مستقیم نیز موضوع حذف معافیت‌های مالیاتی صادرات برخی کالاها مطرح شد و در ماده ۳۷، اعمال عوارض صادراتی پررنگ‌تر شد.»

او در ادامه گفت: «در سال‌های ابتدایی اجرای این احکام، عملا دو فهرست مجزا وجود داشت؛ یک فهرست مربوط به مواد خام که مشمول حذف نرخ صفر مالیاتی می‌شد و فهرست دیگر شامل مواد خام و کالاهای با ارزش افزوده پایین که برای آنها عوارض صادراتی در نظر گرفته می‌شد.» عسکروزاده ادامه داد: «با اضافه شدن ویژه نیمه‌خام، تفسیرهای متفاوتی از سوی دستگاه‌های اجرایی ارائه شد. در این چارچوب، وزارت امور اقتصادی و دارایی تفسیری را مطرح کرد که بر اساس آن، حذف معافیت‌های مالیاتی به‌معنای شمول تمامی انواع مالیات، از جمله مالیات بر ارزش افزوده، تلقی شد. بر مبنای این برداشت، اعلام شد که مالیات بر ارزش افزوده صادرات مواد خام و نیمه‌خام نباید به صادرکنندگان بازگردانده شود. در متن ماده ۱۴۱ قانون مالیات‌های مستقیم، چنین حکمی به‌صراحت پیش‌بینی نشده و این رویکرد، حاصل تفسیر اجرایی از قانون است. پیامد این تفسیر آن بود که صادرکنندگان مواد خام، علاوه بر از دست دادن نرخ صفر مالیاتی، امکان استرداد مالیات بر ارزش افزوده را نیز از دست دادند.» این فعال معدنی گفت:«در عمل این وضعیت به‌منزله تحمیل هزینه اضافی قابل‌توجه بر صادرات است؛ چراکه مالیات بر ارزش افزوده که هم‌زمان صادرات به صادرکننده بازمی‌گشت، عملا به هزینه نهایی تبدیل شده است. این در حالی است که فلسفه مالیات بر ارزش افزوده، مبتنی بر مصرف داخلی بوده و صادرات نباید مشمول بار مالیاتی مضاعف شود.» او با اشاره به ابهام مفهومی واژه نیمه‌خام گفت: «در آیین‌نامه‌های مرتبط با ماده۳۷، برای مواد خام تعریف مشخصی ارائه شده، اما برای نیمه‌خام چنین تعریفی وجود ندارد. همین خلأ مفهومی موجب شده است که بسته به شرایط بودجه‌ای از رویکرد دولت‌ها، دامنه شمول این واژه تغییر کند. این ابهام در قوانین بودجه سننواتی نیز تداوم یافته و در جداول درآمدی، برای صادرات مواد نیمه‌خام ارقام مشخصی پیش‌بینی شده است، بدون آنکه قانون اصلی اصلاح شود. این رویه، نااطمینانی فعالان اقتصادی را تشدید کرده است.»

عسکروزاده در ادامه گفت: «بر اساس بند «ب» ماده ۹۹ قانون برنامه هفتم توسعه، دولت با هدف عبور از خام‌فروشی و حرکت به سمت تولید با ارزش افزوده بالاتر، مجاز است هم عوارض صادراتی وضع کند و هم درآمدهای صادراتی این کالاها را در سراسر کشور از شمول نرخ صفر مالیاتی خارج کند. این حکم از منظر حقوقی با ایراداتی همراه است، چراکه حقوق مکتنسه سرمایه‌گذاران را نادیده می‌گیرد. برای نمونه، سرمایه‌گذارانی در مناطق آزاد بر مبنای مشوق‌های صادرات‌محور و معافیت‌های مالیاتی انجام شده و تغییر ناگهانی این قواعد، منطبق تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران را مخدوش می‌کند. دامنه آثار این بند، فراتر از ماده ۳۵ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ماده ۱۴۱ قانون مالیات‌های مستقیم است و در عمل، تمامی درآمدهای حاصل از صادرات کالاهای مندرج در فهرست بند «ب» ماده ۹۹ را در معرض شمول مالیات قرار می‌دهد.»

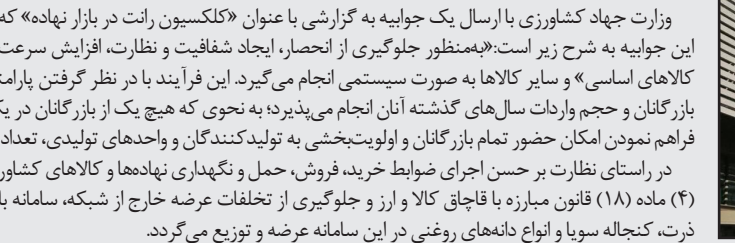
او افزود: «وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز فهرستی گسترده برای اجرای این حکم (ماده ۹۹ قانون برنامه هفتم توسعه) تهیه کرده است که در صورت اجرای بدون ملاحظات کارشناسی، می‌تواند تعادل بخش صنعت و معدن را برهم بزند. در این چارچوب، بار مالیاتی تحمیل‌شده در برخی موارد حتی از عوارض صادراتی نیز سنگین‌تر خواهد بود. فهرست اولیه تهیه‌شده در معاونت معدنی وزارت صمت به وزیر ارائه و سپس به کمیسیون اقتصادی دولت ارسال شد، اما این کمیسیون اعلام کرد که اجرای چنین تصمیمی مستلزم هماهنگی میان چند دستگاه و نهاد ذی‌ربط است. با این وجود، در ادامه جلساتی در سطح وزار‌تخانه برگزار و اعلام شد که بدون آنکه نظرات شکل‌ها و اتاق بازرگانی به‌طور موثر لحاظ شود، فهرست نهایی شده است. این در حالی است که همچنان جزئیات تصمیمات اتخاذشده به‌صورت شفاف اعلام نشده است. در حال حاضر کل زنجیره آهن و فولاد، از استخراج سنگ‌آهن تا تولید شمش، تحت تاثیر این سیاست‌ها قرار دارد و هم‌زمان دو فهرست مجزا، یکی ذیل ماده ۱۴۱ و دیگری در ارتباط با بند «ب» ماده ۹۹، وجود دارد.»

بستر شکل‌گیری فعالیت غیر رسمی

عسکروزاده در ادامه گفت: «تداوم این شرایط می‌تواند به اختلال جدی در صادرات کشور منجر شود و حتی فرآیند صادرات را در برخی بخش‌ها متوقف کند. بازگشت به بازارهای صادراتی از دست‌رفته، فرآیندی پرهزینه و زمان‌بر است. در فضایی که قواعد شفاف و بانثا وجود ندارد، زمینه برای شکل‌گیری راهکارهای موقتی و بعضا غیررسمی فراهم می‌شود. در چنین شرایطی، فعالان باسابقه و قانون‌مدار به‌تدریج از بازار خارج شده و جای خود را به بنگاه‌های کم‌تجربه یا صرفا صوری می‌دهند. این بنگاه‌ها آشنایی لازم با الزامات تجارت بین‌الملل، بازرگشت ارز و شفافیت مالی ندارند و فعالیت آنها می‌تواند اعتبار تجاری کشور را در بازارهای جهانی تضعیف کند.»

این فعال معدنی گفت: «بخش خصوصی طی سال‌های تحریم، با دشواری فراوان توانسته است اعتماد خریداران خارجی را جلب کند و در برخی موارد، مبادلات تجاری صرفا بر پایه اعتماد متقابل انجام می‌شود. از بین رفتن این اعتماد، به‌معنای از دست رفتن یکی از معهود مسیره‌ای باقی‌مانده برای تداوم صادرات خواهد بود.» عسکروزاده در همین‌جا اظهارات خود گفت: «موضوع از طریق مکاتبات با رئیس‌جمهور پیگیری و به وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان برنامه و بودجه و معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری ارجاع شده و در حال حاضر پیگیری آن بر عهده معاونت پیگیری‌های ویژه ریاست‌جمهوری است. هدف از این روند دستیابی به جمع‌بندی کارشناسی و اتخاذ تصمیمی است که کمترین آسیب را به تولید و بازرگانی کشور وارد کند؛ به‌گونه‌ای که در صورت وجود ایراد در قوانین یا رویه‌ها، مسیرهای اصلاحی از طریق مراجع بالادستی و سازوکارهای قانونی دنبال شود. شرط اصلی اصلاح وضعیت، وجود اراده در سطح تصمیم‌گیری است و در صورت ایجاد حساسیت لازم، می‌توان از طلعه به صادرات جلوگیری کرد، در غیر این صورت بخش قابل‌توجهی از صادرات کشور از دست خواهد رفت و جایگزینی برای آن متصور نخواهد بود.»

ابهام در تعریف مفاهیمی مانند «مواد خام» و «نیمه‌خام»، هم‌زمان با گسترش دامنه شمول مالیات و عوارض به بخش بزرگی از زنجیره معدن و فولاد، باعث شده است بنگاه‌ها نتوانند تصویر روشنی از آینده فعالیت خود ترسیم کنند. این نااطمینانی، از نگاه تحلیلگران، زمینه‌ساز خروج تدریجی بازیگران باسابقه و جایگزینی آنها با فعالیت‌های کوتاه‌مدت و غیرشفاف خواهد شد؛ روندی که نه به افزایش درآمدهای پایدار دولت و نه به تقویت جایگاه ایران در تجارت بین‌الملل منجر خواهد شد. در چنین فضای، فعالان صنعت بر این باورند که بازنگری در نحوه اجرای قوانین و ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های تصمیم‌گیر، شرط لازم برای جلوگیری از آسیب جدی به صادرات معدنی و حفظ سرمایه‌های اقتصادی و اعتباری کشور در بازارهای جهانی است.



تلاش وزارت کشاورزی برای جلوگیری از انحصار



سال‌اخیر اختلاف قیمت تا حد زیادی کاهش پیدا کردیمو اما حالا تحت‌تاثیر رشد نرخ دلار، تورم عمومی و انتظارات تورمی این اختلاف قیمت دوباره افزایش پیدا کرده‌است، به‌طوری‌که طبق بررسی «دنیایاقتصاد» اختلاف قیمت کارخانه و بازار ۱۲مادل خودرویی که در لیست عرضه جدید ایران‌خودرو قرارگرفته‌اند به ۵۵۳٫۶میلیون‌تومان معادل ۴۲٫۳ درصد می‌رسد. این در شرایطی است که در تیرماه امسال اختلاف قیمت مذکور برای خودروهای داخلی به‌طور میانگین حدود ۹۶میلیون‌تومان معادل ۱۱درصد بود.

عامل دوم نیز حذف شرط پل‌وکه‌کردن پول برای خرید خودرو از کارخانه است. اواخر سال ۱۴۰۱ بود که دولت مقرر کرد؛ برای ثبت‌نام در طرح‌های فروش باید مبلغ مشخصی در حساب‌های وکالتی برای خرید در طرح‌های فروش ثبت‌نام کردند، در همین باره زمانی بود که شرط پل‌وکه‌کردن پول رسید اما حالا این شرط از شروط ثبت‌نام برای خرید خودرو حذف شده‌است.

حال باید دید که آیا سیاستگذاران به سمت بازگرداندن محدودیت‌های متقاضیان از جمله حساب وکالتی حرکت خواهند کرد یا خیر. البته حساب‌های وکالتی تنها شرط متقاضیان خرید خودرو نبود که حذف شده‌است، پیش‌نیازهای دیگری نیز بین لیست شروط سال‌های گذشته حذف شده‌اند. برای مثال می‌توان به ممنوعیت خرید خودرو توسط اشخاص حقوقی

بازگشت یک ایده شکست‌خورده

اشاره کرد که همین موضوع نیز می‌تواند از عوامل رشد متقاضیان خرید خودرو باشد.

اما حتی اگر سیاستگذاران به سمت بازگرداندن این شروط حرکت کنند، بازهم نمی‌توان با قوت گفت؛ تقاضای کاذب حذف شده و دلالتان بار دیگر بازار را ترک می‌کنند. تنها باید دید که آیا اختلاف قیمت کارخانه و بازار در حدی است که برای افراد پل‌وکه‌کردن پول و دیگر شروط را توجیه کند یا خیر. با توجه به اینکه این اختلاف قیمت حالا برای خودروهای عرضه‌شده به ۳۱۳درصد تا حد ۵۸درصد رسیده‌است، به‌نظر می‌رسد حالا دیگر این شروط نمی‌توانند یک مانع قوی محسوب شوند. به هر صورت به‌نظر می‌رسد که بازار و صنعت خودرو بار دیگر به روزهای بحرانی خود نزدیک شده‌اند. بحرانی که سود صنعت خودرو را به جیب دلال‌ها می‌ریزد و صنعتگر خودرو به باید بخشی از این سود را صرف توسعه محصول و حتی رشد ایمنی محصولات خود کند، از این سود محروم می‌شود. از طرف دیگر نیز دست مصرف‌کننده به قیمت کارخانه‌ای خودرو می‌رسد و مجبور است خودروی موردنیاز خود را با قیمت‌های کلان از بازار خریداری کند.

همان‌طور که اشاره شد پیش از این، رکوددار تعداد متقاضیان خرید خودرو مربوط به سالال ۱۴۰۱ بود. در دی‌ماه این سال نزدیک به ۱۱ میلیون نفر تنها در یک مرحله از فروش ایران‌خودرو ثبت‌نام کردند. بعد از آن اما این تعداد رو به کاهش رفت و بیشتر به‌عنوان یک نمونه از سیاستگذاری نادرست و نتایج آن از این اتفاق یاد می‌شد، اما حالا انگار بار دیگر این اتفاق تکرار شده‌است. بعد از این رکوردشکنی، در اسفندماه همان سال ۹میلیون نفر برای طرح فروش ایران‌خودرو ثبت‌نام کردند، در همین باره زمانی بود که شرط پل‌وکه‌کردن پول از حساب‌های وکالتی برای خرید در طرح‌های فروش خودروسازان کلید خورد.

در سالال ۱۴۰۲ تقریبا طرح فروشی درمیان نبود، تعداد تعهدات معوق خودروسازان به حدی بالا رفته بود که هرچه تولید کردند را برای کاهش این تعهدات صرف کردند، بنابراین طرح بعدی ایران‌خودرو در مردادماه سال ۱۴۰۳ شروع شد، در این طرح حدود سه‌میلیون نفر ثبت‌نام کردند که نسبت به تعداد متقاضیان در سال ۱۴۰۱ کاهش قابل‌توجهی محسوب می‌شد اما این تنها شروع این روند کاشمی در تعداد متقاضیان بود.

● دلار ۹۳٫۴۰۰ ● یورو ۱۰۸٫۸۲۰ ● پوند ۱۲۵٫۴۸۰ ● درهم ۲۵٫۵۵۰ ● لیر ۲۰٫۳۰۰ ● سکه ۸۵٫۴۵۰٫۰۰۰ ● سکه بهار آزادی ۷۶٫۶۱۰٫۰۰۰ ● نیم سکه ۴۵٫۲۰۰٫۰۰۰ ● ربع سکه ۲۶٫۷۴۰٫۰۰۰ ● سکه گرمی ۱۴٫۸۰۰٫۰۰۰ ● طلای ۱۸ عیار ۷٫۵۹۰٫۰۰۰ ● طلای ۲۴ عیار ۱۰٫۱۰۰٫۰۰۰ ●

روزنامه
دراقتصاد
www.marzeghtesad.ir
شنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۴۰۵ شماره ۸۹۴
www.marzeghtesad.ir

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوبین

مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی

چاپ: جام جم

آدرس: تهران، بلوار مردرداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶

تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰

گستره توزیع : سراسری

شرکت توزیع : نشر گستر



«دبی» جدید کجاست؟

مر ترضی اکبری - ثروتمندان ساکن خاورمیانه، در پی نگرانی از تداوم جنگ، تلاش‌های خود را برای یافتن سرپناه در مناطق اشرافی و خوش‌نشین اروپا دوچندان کرده‌اند.

این دلواپسی‌ها موجب جهش بی‌سابقه تقاضا برای اجاره‌های کوتاه‌مدت و اقامتگاه‌های بلندمدت در قاره سبز شده است. کارگزاران املاک در لندن، موناکو، سوئیس و نقرجگاه‌های ایتالی «ماربیا» در اسپانیا، از اشتیاق فزاینده مشتریانی سخن می‌گویند که طیف وسیعی را شامل می‌شوند؛ از معامله‌گران میلیونر و چهره‌های اثرگذار مجازی (اینفلوئنسرها) گرفته تا خانواده‌هایی که در پی آمانی برای گذران دوران درگیری با مهاجرتی دائمی به آن‌سوی آب‌ها هستند. به گفته این فعالان بازار، سرمایه‌گذارانی که پیش‌تر دارایی‌های کلان خود را روانه بازارهای پررونق خلیج فارس می‌کردند، اکنون با ورود جنگ به دومین ماه خود، به شکلی جدی در حال بررسی مقاصد جایگزین برای سرمایه‌های خویش هستند.

«دبی» جدید کجاست؟

نمایی از یک ساختمان لوکس در منطقه «کوستا دل سول» اسپانیا

براساس گزارشی از بلومبرگ، شعلور شدن آتش درگیری‌ها، گروهی از متمولان، خانواده‌های ثروتمند و سرمایه‌گذارانی را که پیش‌تر شیفته جذبیت‌های دبی و ابوظبی شده بودند، به بازنگری در تصمیمات خود واداشته است. این افراد که با انگیزه درآمدهای معاف از مالیات، تابش همیشگی آفتاب و وعده زندگی اشرافی راهی این شهرها شده بودند، اکنون در تردیدی جدی بسر می‌برند. هرچند این کلان‌شهرها اخیرا با هدف ترغیب ساکنان به ماندگاری طولانی‌مدت، دست به اصلاحات گسترده‌ای زده‌اند، اما سایه جنگ، تصویر «جزیره ثبات» را که با ظرافت تمام برای این شهرها در قلب خاورمیانه تاریم شده بود، متزلزل و مخدوش کرده است.
در همین راستا «ژان فلورین»، از کارگزاران شرکت املاک «راکول پراپرتیز» در ژنو، هم‌اکنون در جست‌وجوی عمارتی به ارزش ۲۰میلیون فرانک (معادل ۲۶میلیون دلار) برای تاجری است که قصد دارد از خاورمیانه به سوئیس کوچ کند. او همچنین خاطرنشان کرد که یکی از عرضه‌کنندگان ساعت‌های لوکس که با مشتریان متمول منطقه در ارتباط است، او را به ضیافتی در این هفته فراخوانده است؛ چراکه بسیاری از میهمانان این مراسم نیز اشتیاق فراوانی برای خرید ملک در خاک سوئیس نشان داده‌اند. در سواحل «کوستا دل سول» در اسپانیا، منطقه‌ای که ناشی با نقرجگاه‌های

سنگنوی ناخودآگاه ایرانیان

باشاعر حافظ گره خورده‌است؟ در این رابطه آثار بسیاری نوشته شده و به زوایای مختلف موضوع پرداخته شده‌است.

در این میان استاد به‌الدین خرمشاهی،نویسنده،فرزانه‌پژوهو

حافظشناس سرشنس،بی‌تردیدیکی از معتبرترین کسنانی است که می‌تواند درباره حافظ و شعر او نظر بدهد. او در کتاب‌هایی



آمارهای تخصصی

موسسه ملکی

«ثابت فرانک»

نشان می‌دهد

که هم‌زمان با

کاهش عرضه

و تداوم فضای

غبارآلود

سیاسی در

خاورمیانه،

نرخ اجاره‌بها

در محله‌های

اشرافی لندن رو

به صعود نهاده

است.

درحالی‌که ابرثروتمندان برای روزهای پرتلاطم، چندین مأمن و سرپناه در نقاط مختلف جهان در اختیار دارند، بلاتکلیفی کنونی و بن‌بست در مذاکرات آتش‌بس، طبقه متخصص و مهاجران شاغل را که تازه در خاورمیانه ریشه دوانده بودند، بر سر دوراهی دشواری قرار داده است. برخی از سرمایه‌گذاران خارجی پیش‌تر دارایی‌های خود را روانه بازارهای ملکی دبی کرده بودند؛ بازاری که در سال‌های اخیر شاهد رشد چشم‌گیر و بی‌سابقه قیمت‌ها بوده است. اگرچه تحلیلگران محلی و سرمایه‌گذاران همچنان بر تداوم تقاضا در بحبوحه درگیری‌ها تاکید دارند، اما به نظر می‌رسد با ارزیابی مجدد ریسک توسط سرمایه‌گذاران، روند قیمت‌گذاری در بازارها و محله‌های نوپا دست‌کم در کوتاه‌مدت با انہام روبه‌رو شود.

این در حالی‌است که تحلیلگران موسسه «گلدمن ساکس» در تازه‌ترین یادداشت خود برآورد کرده‌اند که حجم معاملات ملکی در امارات طی ۱۲روز نخست ماه مارس، نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۳۷درصد و در مقایسه با ماه پیش از آن، ۴۹درصد کاهش یافته است. با وجود این، نباید فراموش کرد که قطب‌های تجاری نظیر دبی پیش از این نیز از توفان‌های سهمگینی چون بحران مالی جهانی سربلند بیرون آمده‌اند. حتی در شرایط فعلی نیز غول‌های «وال‌استریت» به شکلی علنی حمایت خود را از منطقه اعلام کرده‌اند؛ هرچند نگرانی‌های امنیتی باعث شده است برخی از این شرکت‌ها به کارکنان خود اجازه دهند به طور موقت از نقاط دیگر جهان فعالیت کنند.

«دوارد دو مالت مورگان»، مدیر دفتر خصوصی مجموعه «داگلاس الین» و متخصص املاک مشتریان تراز اول، معتقد است: «جو روانی بازار با سرعتی باورنکردنی در حال تغییر است، از این رو مشتریان در گام نخست، اجارمنشینی را ترجیح می‌دهند.» او که هم‌اکنون مشاوره به ۱۰مشتتری از امارات و لبنان را برای نقل‌مکان موقت به اروپا بر عهده دارد، می‌فزاید: «مردم در انتظار ثبات اوضاع، فعلا به تصمیمات کوتاه‌مدت بسنده کرده‌اند.» دلیل اصلی کراحت یا تردید مردم از نقل‌مکان دائمی در شرایط فعلی، پیچیدگی‌های اداری است؛ چرا که تغییر اقامتگاه مالیاتی، یافتن مدارس مناسب برای فرزندان و انطباق با قوانین ملی نظیر افتتاح حساب‌های بانکی محلی، فرآیندی دشوار، زمان‌بر و هفت‌خوانی از مراحل سازمان‌دهی است. تداوم درگیری‌ها، کسانانی را که به امید بازارهای پررونق و انباشت سرمایه به این منطقه کوچ کرده بودند، بر سر یک «دوراهی بزرگ» قرار داده است. بیم آن وجود دارد که فرسایشی شدن جنگ، کسانانی را که اکنون در اروپا به سر می‌برند، ناچار به اتخاذ تصمیماتی دشوار برای مهاجرت همیشگی کند؛ به‌ویژه آنکه پایان سال تحصیلی نیز نزدیک است.

«روبرت جنینی»، از کارشناسان جابه‌جایی و اسکان در حومه ژنو، می‌گوید هم‌اکنون در حال خدمت‌رسانی به پنج مشتری مقیم خاورمیانه است که در جست‌وجوی اقامتگاه‌های موقت و میله در این شهر هستند. فرزندان آنها تا پایان فصل تابستان در مدارس بین‌المللی محلی در سوئیس نام‌نویسی شده‌اند و پس از آن، این خانواده‌ها دوباره وضعیت را ارزیابی خواهند کرد.ژنو و زوریخ از دیرباز مأمن ثروت خاورمیانه بوده‌اند. براساس آمار انجمن بانکداران محلی، سرمایه‌گذاران این منطقه تا پایان سال ۲۰۲۴ میلادی نزدیک به ۸۰میلیارد دلار در سوئیس ذخیره کرده‌اند؛ مبلغی که معادل یک‌پنجم کل دارایی‌های خارجی در این کشور است و پس از اروپای غربی، بیشترین سهم را در بانک‌های سوئیس دارد.

یکی از کارکنان یک شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی آمریکایی در دبی که به دلیل حساسیت‌های موضوع مایل به افشای نامش نبود، می‌گوید در ابتدا تصور می‌کردند درگیری‌ها به سرعت فروکش می‌کند، اما با طولانی شدن جنگ، موقتا به پرتغال نقل‌مکان کردند. به گفته او، بازگشت آنها به منطقه مشروط به برقراری چندین هفته صلح پایدار و اطمینان از نبود هیچ‌نوع حمله‌ای به خاک امارات است. «نونو دوراگو»، مدیر یک موسسه ملکی در پرتغال، از جهش بی‌سابقه اشتیاق خریداران خاورمیانه‌ای خبر می‌دهد. او می‌گوید با آغاز جنگ، تعداد مشتریان بالقوه در یک شبانه‌روز دو برابر شد؛ هرچند نهایی شدن قراردادهای خرید خانه طولانی شدن جنگ، موقتا به پرتغال نقل‌مکان کردند. به گفته او، کارشناس مشروط به برقراری می‌گوید در برخی بانک‌ها و موسسات مالی، جابه‌جایی کارکنانی که مسوولیت‌هایشان صرفا محدود به منطقه نیست، به سمت اروپا آغاز شده است. بسیاری از این شرکت‌ها که پیش‌تر با هیاهوی فراوان از گسترش حضور و سرمایه‌گذاری خود در منطقه سخن می‌گفتند، اکنون با احتیاط رفتار می‌کنند تا این تصور ایجاد نشود در حال عقب‌نشینی یا کاهش اعتبار مشب منطقه‌ای خود هستند.

یکی از مدیران ارشد مدیریت دارایی در یک بانک بزرگ آمریکایی نیز از گفت‌وگوهای متعدد با اتباع خارجی مقیم منطقه خبرمی‌دهد که در پی درک مزایا و معایب کوچ به سوئیس هستند. کشورهای دیگر اروپایی، از ایتالیا تا اسپانیا، با نظام‌های مالیاتی جذاب و اقلیم آفتابی، مقصدی وسوسه‌انگیز برای کسانی هستند که دست‌کم به دنبال خروج موقت از خاورمیانه می‌گردند. به گفته افراد مطلع، برخی سرمایه‌گذاران متمول آسیایی نیز در حال بازنگری در میزان دارایی‌های خود در دبی و بازگرداندن سرمایه‌هایشان به هنگ‌کنگ و سنگاپور هستند، درحالی‌که گروهی دیگر برای تنوع‌بخشیدن به سبد دارایی‌های خود، بازارهای دیگر را زیر نظر گرفته‌اند.

براساس این گزارش، با وجود تمایل مهاجران و بومیان برای یافتن «گریزگاه‌های امن» در اروپا، احتمال خروج گسترده و ناگهانی سرمایه از کشورهای حاشیه خلیج فارس، به‌ویژه به سمت سوئیس، اندک است. چراکه اکثر بانک‌های سوئوسی، حتی با وجود داشتن دفتر در منطقه، حساب‌های این مشتریان را از همان ابتدا در خاک سوئیس ثبت و مدیریت می‌کنند؛ بنابراین ثروت آنها پیش‌تر در جای امنی قرار گرفته است.

حال کلی جامعه خوب نیست

حساس است و این حساسیت لزوما در مقابل دولتمردان نیست. البته این یک

فرصت تاریخی برای پُر کردن شکاف بین ملت و دولتمردان هم وجود دارد، اما

مردم قدم رو به جلو گذاشته‌اند و نوبت دولتمردان است که قدمی بردارند.»

اسعدیان افزود: «سینما هم جدا از این فضا نیست. وقتی آمار ریزش مخاطب سینما را می‌دهند، توجه نمی‌کنند شرایط اجتماعی، اقتصادی (با تورم بالا) و تاثیر جنگ روانی چقدر تاثیرگذار بوده است. خانواده‌ها هزینه سینما رفتن را محاسبه می‌کنند که بروند یا نروند؟! و بخشی از مخاطبان ما را جوانان مجرد تشکیل می‌دهند. این ریزش را نمی‌توان تنها به حساب کیفیت فیلم‌ها گذاشت. کیفیت فیلم‌های اجتماعی امسال به نظر من، بهتر

عکس نوشت



کار تون



همچون «حافظ»، «هنر و زبان حافظ»، «حافظ‌نامه»، «حافظ

حافظه ماست»، «فال‌های شگفت‌انگیز حافظ»، «می‌باقی»،

«دانشنامه حافظ و حافظ‌پژوهی» و: «زوایای مختلف شعر و

زندگی این شاعر را مورد بررسی قرار داده و تصحیح او از دیوان حافظ یکی از معتبرترین نسخه‌است.

محل معضل «کار نامرئی»

«کار نامرئی» به تمام کارهایی که می‌شود که مدیران و کارکنان در طول ساعت کاری انجام می‌دهند، اما جزو وظایف شغلی‌شان نیست و کسی به‌خاطر انجام دادن این‌ کارها از آنها قدردانی نمی‌کند.

به‌عنوان مثال، خلیلی از کارکنان در طول روز به‌جای همکاری‌انسان در جلسات شرکت می‌کنند یا در زمان غیبت سایر کارکنان به تلفن‌ها یا ایمیل‌های موجود در اینباکس آنها جواب می‌دهند. اگرچه این کارهای نامرئی وقت و انرژی زیادی از افراد می‌گیرد، اما به این علت که قابل‌سنجش و اندازه‌گیری نیست کمتر مورد توجه و قدردانی دیگران از جمله مافوق‌ها قرار می‌گیرد. حتی اگر یک فرد به همه تلفن‌ها یا ایمیل‌هایی که به خودش مربوط است جواب دهد یا در جلسات کاری شرکت کند، باز هم درگیر کار نامرئی می‌شود و فعالیت‌هایی انجام می‌دهد که آنچنان که باید و شاید قابل اندازه‌گیری و سنجش نیستند. این کارهای نامرئی در نهایت، افراد را از کارهای مهم‌تری مانند ناواری و آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی‌های خلاقانه بازمی‌دارند.

حال سوال اینجاست که چگونه می‌توان مشکل کار نامرئی را حل کرد و وقت و انرژی مدیران و کارکنسان را برای کارهای مهم‌تری ذخیره کرد؟ در پاسخ به این سوال باید گفت با استفاده از روش‌های سنتی مانند نوشتن تمام کارهایی که یک نفر در طول روز انجام می‌دهد یا نوشتن گزارش کامل آنچه در جلسات کاری مطرح شده و ارسال آنها برای مقام‌های مافوق (به امید جبران زحمات و دریافت پاداش) نمی‌توان مشکل کارهای نامرئی را حل کرد، چون انجام همین کارهای اضافی وقت و انرژی مضاعفی از افراد می‌گیرد و به حل مشکل کارهای نامرئی کمکی نمی‌کند.

۱- کارهای نامرئی را ساده کنید

یکی از ویژگی‌های اصلی کارهای نامرئی این است که می‌توان به شیوه‌های مختلفی آنها را ساده‌تر کرد یا اینکه اصلا آنها را انجام نداد. به‌عنوان مثال، اگر شما قبلا در یک جلسه کاری شرکت کرده‌اید و پس از مدتی دوباره به جلسه‌ای با همان موضوع دعوت شده‌اید می‌توانید از حضور در آن جلسه خودداری کرده یا فرد دیگری را به‌جای خود بفرستید. در صورتی هم که حضور شما در چنین جلساتی الزامی اعلام شده باشد، بهتر است پیشنهادی کوتاه‌تر شدن زمان آن را به گردانندگان بدهید. در مورد کارهای نامرئی دیگری مانند جواب دادن به ایمیل و تلفن‌ها هم می‌توانید از منشی تلفنی گویا یا ماشین‌های پاسخ‌دهنده به ایمیل استفاده کنید و خودتان را از شر این کارهای نامرئی بیبوهه و تکراری خلاص کنید.

۲- از تعداد سیستم‌ها و پلتفرم‌های کاری بکاهید

در اغلب شرکت‌ها و سازمان‌ها، انبوهی از سیستم‌ها و پورتال‌ها وجود دارند که بسیاری از آنها یک کار را انجام می‌دهند و ویژگی‌های کارکردهای تقریبا مشابهی دارند. واقعیت این است که استفاده هم‌زمان از همه آنها نتیجه‌ای غیر از اتلاف وقت و انرژی برای کارکنان و کلیت سازمان به دنبال ندارد. بنابراین یکی از روش‌های اصلی کاهش از حجم کارهای نامرئی در درون سازمان‌ها این است که از تعداد سیستم‌ها و پلتفرم‌ها و پورتال‌های سازمانی موازی بکاهید تا افراد مجبور نباشند یک‌سری داده و اطلاعات را بارها بار بگردانری و وقت و انرژی زیادی برای این کارهای بیبوهه تلف کنند.

۳- از پرداختن به عوامل مختل‌کننده حواس و برهمن‌زننده تمرکز خودداری کنید

تحقیقات انجام شده در دانشگاه «روین» کالیفرنیا نشان داده به طور میانگین ۲۰ دقیقه طول می‌کشد تا افراد بتوانند پس از پرت شدن حواسشان به خاطر عوامل مزاحم مانند تماس‌های تلفنی یا دریافت ایمیل یا پیام‌های نامرتب در رسانه‌های اجتماعی، تمرکزشان را بازیابند. بنابراین لازم است تمهیداتی اندیشیده شود تا عوامل برهم‌زننده تمرکز به حداقل برسند؛ از جمله قطع کردن تلفن کارکنان برای چند ساعت.

۴- به خاطر انجام کارهای نامرئی از کارکنانتان قدردانی کنید

همان‌طور که در تعریف کارهای نامرئی گفته شد، به‌ندرت پیش می‌آید کسی به‌خاطر انجام کارهای نامرئی از کارکنان تشکر کند. به همین دلیل هم هست که آنها به این نتیجه می‌رسند که کسی قدر زحماتشان را نمی‌داند و در نتیجه تمایل آنها برای انجام درست و دقیق چنین کارهایی کاهش پیدا می‌کند. بنابراین لازم است به بهانه‌های مختلف و به شکلی روشن و هدفمند از کارکنان به‌خاطر انجام دادن کارهای نامرئی قدردانی کنید و به آنها نشان دهید که زحماتشان دیده شده و مورد ستایش قرار می‌گیرد.

۵- مشخص کنید هر کسی قرار است کدام

کارهای نامرئی را انجام دهد

بسیاری از کارکنان اخلاق‌مدار و کسانانی که تحت هر شرایطی دوست دارند حتی کارهایی که جزو وظایف و مسوولیت‌های اصلی‌شان نیست را هم به بهترین شکل ممکن انجام دهند، آماده‌اند در کارهای نامرئی هم بهترین عملکرد را داشته باشند؛ البته به شرطی که از قبل مشخص شده باشد قرار است کدام کارها را و چرا باید انجام دهند. چنین افرادی از اینکه کارهای نامرئی مختلفی که انجام می‌دهند نادیده گرفته شود و انجام آن به‌حساب دیگران نوشته شود احساس سرخوردگی و خشم خواهند کرد. پس بهتر است

نشست خبری

و تمرین تیم

تراکتور پیش از

بازی با الدحیل

قطر

>

مراسم تشییع و

خاکسپاری اشرف

بروجردی